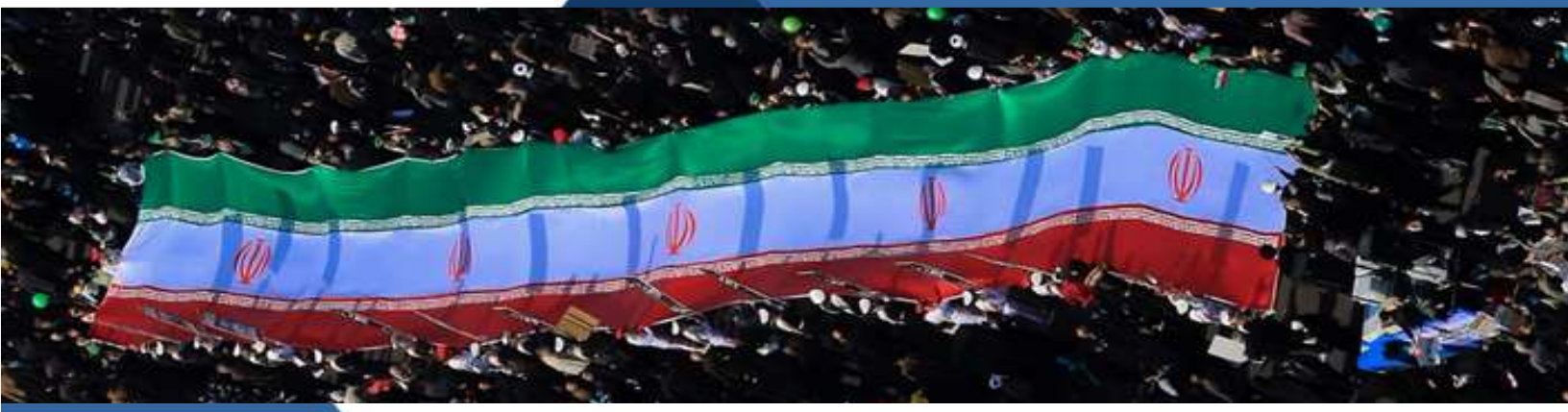


نظام معنایی شعار محوری و نامگذاری ایام الله دهه فجر

چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مبانی نظری، کاربردها و چشم‌اندازهای تحولی

معـــاونت پژوهش و برنامه‌ریزی

دفتـــــر مطـــالعـــات و تـــحقیـــقات

مقدمه

انتخاب شعار محوری و نامگذاری روزها در ایام‌الله دهه فجر نیازمند درک عمیق از مبانی فلسفی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی انقلاب اسلامی است. این مبانی به‌طور دقیق بر اساس اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی و اهداف بلندی که در پی آن دنبال می‌شود، شکل می‌گیرد. در این راستا، چندین مبنای اساسی وجود دارد که به‌طور خاص بر انتخاب شعار محوری و نامگذاری روزها اثرگذار است.

مبانی نخستین انتخاب شعارها و نامگذاری روزها در دهه فجر، بازگشت به آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران در سال۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) شکل گرفت و هدف آن تحقق مفاهیم بنیادی مانند «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» بود. شعارهایی که برای ایام دهه فجر انتخاب می‌شوند، باید انعکاسی از این آرمان‌ها باشند و تلاش کنند تا مفاهیم اصلی انقلاب را در ذهن مردم زنده نگه دارند.

آرمان‌های انقلاب اسلامی در بستر یک سیستم دینی و فقهی شکل گرفته است که پایه‌گذار بسیاری از شعارها و نامگذاری‌ها در دهه فجر است. در این راستا، مفاهیم همچون **ولایت‌فقیه، رهبری، مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، جهاد و مقاومت، عفاف و حجاب و حاکمیت اسلام** باید در شعارهای محوری و نامگذاری روزها تجلی یابند. این مفاهیم در سخنان امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) به‌طور مستمر مورد تأکید قرار گرفته‌اند و باید در شعارها و برنامه‌ها برای مردم آشکار شوند.

نامگذاری روزهای دهه فجر باید منطبق با اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی و برنامه‌های توسعه‌ای کشور باشد. این برنامه‌ها شامل **تقویت بنیان‌های اقتصادی، تحکیم بنیان‌های اجتماعی، پیشرفت علمی و فناوری، ارتقای جایگاه جهانی ایران** و **ایجاد جامعه‌ای اسلامی و متعهد** هستند. انتخاب شعارهای محوری و نامگذاری روزها باید در جهت تقویت و تحقق این اهداف باشد.

از آنجا که انقلاب اسلامی در بستر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رخ داده است، وظیفه نامگذاری روزهای دهه فجر علاوه بر پاسداشت تاریخ انقلاب، باید بر **آگاهی‌بخشی** مردم از چگونگی پیروزی انقلاب و اهمیت آن در تحولات معاصر جهان تأکید کند. این آگاهی‌بخشی باید با استفاده از مفاهیم گفتمانی و روایت‌های تاریخی صورت گیرد تا نسل‌های جدید به‌خوبی با دلایل و ضرورت‌های انقلاب آشنا شوند.

شعارهای روزهای دهه فجر باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که **حضور مردم** در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را برجسته کنند. انقلاب اسلامی به‌ویژه در جنبه‌های مختلف خود، به نقش **مردم** در تغییرات بنیادین کشور تأکید کرده است. شعارهایی نظیر **مردم‌سالاری دینی، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها** و **جایگاه مردم در مدیریت کشور** باید در انتخاب نامگذاری روزهای دهه فجر گنجانده شوند.

انتخاب شعارهای محوری و نامگذاری روزها باید به‌طور مشخص به **دستاوردهای انقلاب اسلامی** اشاره کند. این دستاوردها می‌تواند شامل **تحول در عرصه‌های فرهنگی، نظام آموزشی و علمی، پیشرفت‌های اقتصادی، جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی** و **تعمیق همبستگی ملی** باشد. برای این منظور، شعارها باید گویای دستاوردهای انقلاب اسلامی و چالش‌های پیش‌رو باشند تا مردم به آگاهی و مشارکت بیشتری در این فرآیند دعوت شوند.

دومین بعد از مبانی گفتمانی انقلاب اسلامی، تأثیر تحولات جهانی و منطقه‌ای بر نحوه انتخاب شعارهای محوری و نامگذاری روزها است. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی به‌ویژه در کشورهای منطقه تأثیرات گسترده‌ای گذاشته است، شعارهای روزهای دهه فجر باید بر **جهان‌بینی اسلامی** و **مقاومت** در برابر سلطه‌گری‌های جهانی تأکید داشته باشند. در این راستا، تاکید بر مفاهیمی مانند **جبهه مقاومت اسلامی، نهضت‌های آزادی‌بخش** و **مقاومت در برابر استکبار جهانی** می‌تواند نقشی برجسته داشته باشد.

یکی از مبانی کلیدی در انتخاب شعارهای روزهای دهه فجر، توجه ویژه به **جوانان** و **آینده‌نگری** است. انقلاب اسلامی همواره بر نقش جوانان در پیشبرد اهداف خود تأکید کرده و نامگذاری روزها باید به‌گونه‌ای باشد که **انرژی جوانان** را در تحقق اهداف انقلاب به‌کار گیرد. این شعارها باید به تحقق **آینده‌ای روشن** برای ایران و جهان اسلام توجه داشته باشند و به جوانان انگیزه و الهام بخشند تا در راستای آرمان‌های انقلاب اسلامی تلاش کنند.

در نتیجه، مبانی مترتب بر انتخاب شعار محوری و نامگذاری روزهای دهه فجر، همواره باید مبتنی بر اصول انقلاب اسلامی، آرمان‌های امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) و نیز نیازهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی روز باشد. این مبانی باعث می‌شوند که نامگذاری روزها، ضمن اینکه به تبیین دستاوردهای انقلاب می‌پردازد، به تحقق اهداف بلندمدت کشور در ابعاد مختلف نیز کمک کند.

شعار محوری و عناوین روزهـــای دهـــه‌ی مبارک فجـــر سال ۱۴۰۳

شعار محوری

جـــشن حضـــور تا ظهـــــور

تاریخ	روز	مناسبت تقویمی/ مذهبی	عنوان پیشنهادی	ویژه‌سازی
۱۴۰۳/۱۱/۱۲	جمعه	بازگشت حضرت امام خمینی(ره) به میهن اسلامی	انقلاب اسلامی؛ امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)؛ ولایت و رهبری	روحانیت، علمای دینی و حوزه های علمیه
۱۴۰۳/۱۱/۱۳	شنبه		انقلاب اسلامی؛ تحکیم خانواده، عفاف و حجاب، سبک زندگی ایرانی و اسلامی	زنان و خانواده
۱۴۰۳/۱۱/۱۴	یکشنبه	ولادت سالار شهیدان، حضرت امام حسین(ع) و روز پاسدار روز فناوری فضایی	انقلاب اسلامی؛ نهضت علمی و فناوری ، پیشرفت و خودکفایی	فرهنگیان و دانشگاهیان،نخبگان، فناوران و جامعه پزشکی
۱۴۰۳/۱۱/۱۵	دوشنبه	ولادت حضرت ابوالفضل العباس(ع) و روز جانباز	انقلاب اسلامی؛ تولید ملی ، جهش اقتصادی با مشارکت مردم	اصناف، بازاریان، کارگران، مهندسان، صنعتگران،کشاورزان و عشایر
۱۴۰۳/۱۱/۱۶	سه‌شنبه	ولادت حضرت امام زین العابدین(ع) و روز صحیفه سجادیه	انقلاب اسلامی؛ تربیت قرآنی، سلوک معنوی	قاریان و مداحان
۱۴۰۳/۱۱/۱۷	چهارشنبه		انقلاب اسلامی؛ هنر متعهد، رسانه انقلابی، جهاد تبیین	هنرمندان، فعالان فضای مجازی و اصحاب رسانه
۱۴۰۳/۱۱/۱۸	پنج‌شنبه	(میهمانی لاله ها)	انقلاب اسلامی؛ جهاد و شهادت، مقاومت	جانبازان، و ایثارگران و خانواده های شهدا و جبهه مقاومت اسلامی
۱۴۰۳/۱۱/۱۹	جمعه	روز نیروی هوایی	انقلاب اسلامی؛ امنیت پایدار ، اقتدار بسیج و نیروهای مسلح	بسیجیان و نیروهای مسلح
۱۴۰۳/۱۱/۲۰	شنبه		انقلاب اسلامی؛ مردم سالاری دینی ، عدالت اجتماعی	احزاب و تشکل ها، سازمان‌های غیردولتی و محرومین
۱۴۰۳/۱۱/۲۱	یکشنبه	شکسته‌شدن حکومت نظامی به فرمان امام خمینی(ره)	انقلاب اسلامی؛ وحدت اقوام و ادیان الهی، امید به آینده	ادیان الهی، اقوام ایرانی، مذاهب اسلامی
۱۴۰۳/۱۱/۲۲	دوشنبه	سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران ولادت حضرت علی اکبر (ع) و روز جوان	انقلاب اسلامی؛ جوان، شاداب و بالنده استقلال، آزادی جمهوری اسلامی	همه اقشار با تاکید بر مشارکت ورزشکاران، کودکان ، نوجوانان و جوانان در جشن ملی ۱۴۰۳

وجه تسمیه شعار محوری

شعار محوری: جـشن حضـور تا ظهـــور

پیوند انقلاب اسلامی با ظهور حضرت مهدی (عج)

انقلاب اسلامی ایران از ابتدا بر اساس اصول و ارزش‌های دینی و الهی شکل گرفت و در نگاه امام خمینی (ره)، به‌عنوان بنیان‌گذار این حرکت عظیم، نه تنها یک تغییر سیاسی بلکه گامی اساسی در تحقق وعده‌های الهی برای برپایی حکومت عدل جهانی بود. در این چارچوب، انقلاب اسلامی مقدمه‌ای برای زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی‌عصر (عج) به شمار می‌رود.

انقلاب اسلامی برخلاف بسیاری از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، محدود به مرزهای جغرافیایی نیست و همواره خود را به‌عنوان حرکتی جهانی معرفی کرده است. این نگاه جهانی با مفهوم ظهور حضرت مهدی (عج)، که نماد عدل، امنیت و صلح برای تمام بشریت است، هم‌راستا می‌باشد.

پیوند شعار «جشن حضور تا ظهور» بر این اساس است که این انقلاب، جشن تکریم حضور مردم است که راه را برای تحقق ظهور هموار می‌کند.

در تفکر مهدوی، انتظار ظهور به معنای امید به آینده‌ای روشن و تلاش مستمر برای زمینه‌سازی ظهور است. انقلاب اسلامی این تفکر را در عمل نشان داده و مردم را به‌سوی انتظار فعال سوق داده است. از دیدگاه امام خمینی (ره)، هر حرکت انقلابی که به سوی تحقق عدالت و مبارزه با ظلم پیش می‌رود، بخشی از راه ظهور است. بنابراین انقلاب اسلامی نه تنها زمینه‌ساز ظهور است، بلکه تبلوری از فرهنگ مهدوی است.

انقلاب اسلامی، در ذات خود بر مشارکت و حضور مردم استوار است. این حضور، از آغاز انقلاب تا به امروز، عامل اصلی بقا و پیشرفت بوده است. شعار «جشن حضور تا ظهور» این نقش مردم را برجسته می‌کند:

از دوران مبارزات پیش از انقلاب گرفته تا راهپیمایی‌های میلیونی و مشارکت در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، مردم همواره محور انقلاب بوده‌اند. این حضور، زمینه‌ساز تقویت انقلاب و تثبیت آن به‌عنوان مقدمه ظهور بوده است.

انتظار در فرهنگ شیعی به معنای سکون نیست؛ بلکه حرکت، آمادگی و تلاش برای اصلاح جامعه است. حضور مردم در صحنه‌های مختلف انقلاب، نشان‌دهنده همین آمادگی و انتظار فعال است. پیام این شعار به مردم این است که حضور شما، بخشی از مسیر ظهور است و نقش شما در این مسیر، اساسی و غیرقابل جایگزین است.

در بیانات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، انقلاب اسلامی حرکتی زمینه‌ساز برای ایجاد عدالت در سراسر جهان معرفی شده است. این عدالت، در مفهوم اسلامی آن، تنها با ظهور حضرت مهدی (عج) به‌طور کامل تحقق خواهد یافت. انقلاب اسلامی با شعارهای ضد استکباری و مبارزه با ظلم، در واقع نمونه‌ای کوچک از وعده جهانی ظهور حضرت مهدی (عج) را به نمایش گذاشته است. ایستادگی در برابر قدرت‌های استکباری و تلاش برای استقلال و عدالت در داخل و خارج از کشور، بخشی از اهدافی است که در ظهور نهایی نیز دنبال خواهد شد.

یکی از پیام‌های اصلی انقلاب اسلامی، ایجاد امید در دل مردم برای ساختن آینده‌ای بهتر بود. این امید، از تفکر انتظار مهدوی سرچشمه می‌گیرد که وعده تحقق عدالت و امنیت جهانی را می‌دهد.

مردم با حضور فعال در صحنه‌های انقلاب، در واقع در حال تحقق آرمان‌های مهدوی هستند. شعار «جشن حضور تا ظهور» این پیوند را به‌صورت نمادین به تصویر می‌کشد و به مردم یادآوری می‌کند که هر گامی که در مسیر انقلاب برداشته می‌شود، بخشی از آمادگی برای ظهور است.

انتخاب واژه جشن در این شعار نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی نه تنها یک حرکت سیاسی، بلکه یک رویداد الهی است که شادی و امید را به مردم هدیه داده است. این جشن، جشن حضور مردم در صحنه و جشن زمینه‌سازی برای ظهور است. انقلاب اسلامی، هر ساله با حضور مردم در صحنه‌ها و مناسبت‌های ملی، بخشی از این جشن را محقق می‌کند و هر گام، نزدیک‌تر شدن به ظهور را نشان می‌دهد.

پیوند میان انقلاب اسلامی و ظهور حضرت مهدی (عج)، یکی از اصول بنیادین گفتمان انقلاب است. شعار «جشن حضور تا ظهور» با تکیه بر این پیوند، پیام امید، حرکت و انتظار فعال را منتقل می‌کند. این شعار مردم را به حضور آگاهانه و مشارکت در مسیر تحقق عدالت جهانی دعوت می‌کند و یادآوری می‌کند که انقلاب اسلامی، جشن گام‌به‌گام به‌سوی ظهور است.

مفهوم حضور در شعار «جشن حضور تا ظهور»

حضور مردمی به معنای مشارکت آگاهانه، فعال و داوطلبانه در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. در انقلاب اسلامی، مردم به‌عنوان بازیگران اصلی، نقشی کلیدی در پیروزی و استمرار حرکت انقلابی ایفا کردند. انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب مردمی بود که برخلاف انقلاب‌های نخبگانی یا نظامی، از عمق جامعه و با مشارکت آحاد مردم شکل گرفت. مشارکت مردم، نیروی محرکه انقلاب بوده و موجب شده تا این حرکت الهی به نمادی از همبستگی و وحدت ملی تبدیل شود. مشارکت مردم در انقلاب اسلامی تنها یک اقدام احساسی یا واکنشی نبود، بلکه حاصل شناخت عمیق از اهداف و ارزش‌های انقلاب و احساس مسئولیت نسبت به آینده کشور و دین بود. حضور مردم در انقلاب اسلامی، محدود به قشر یا طبقه خاصی نبود. تمام اقشار جامعه، از روحانیون و دانشجویان تا

کشاورزان و کارگران، در این حرکت عظیم مشارکت داشتند و این حضور تنها به دوران شکل‌گیری انقلاب محدود نشد، بلکه در تمام مراحل پس از پیروزی، از دفاع مقدس گرفته تا انتخابات و راهپیمایی‌ها، به شکلی مستمر ادامه یافت.

در فرهنگ شیعی، انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) به معنای سکون و انتظار منفعلانه نیست؛ بلکه نیازمند آمادگی و حرکت است. حضور فعال مردم در انقلاب اسلامی، گامی در راستای همین انتظار فعال است. در گفتمان مهدوی، مردم نقش کلیدی در زمینه‌سازی ظهور دارند. مشارکت در اصلاح جامعه، ترویج عدالت، مبارزه با ظلم و تقویت ارزش‌های دینی، همگی وظایفی هستند که از مردم انتظار می‌رود. انقلاب اسلامی به‌عنوان حرکتی مردمی، این وظایف را عملیاتی کرده است. حضور گسترده مردم در انقلاب اسلامی و استمرار آن در مناسبت‌های ملی و مذهبی، نمادی از آمادگی عمومی برای پذیرش عدالت جهانی در زمان ظهور است.

«جشن حضور» تأکیدی بر این حقیقت است که انقلاب اسلامی بدون حضور مردم، نه می‌توانست به پیروزی برسد و نه قادر به ادامه مسیر خود بود. این حضور، همواره عامل اصلی پویایی انقلاب بوده است. حضور در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی، در گفتمان انقلاب اسلامی نه تنها یک حق بلکه یک وظیفه دینی و ملی محسوب می‌شود. «جشن حضور» یادآور این وظیفه است که مردم با حضور خود، به استمرار انقلاب و تحقق آرمان‌های آن کمک می‌کنند. حضور گسترده و همدلانه مردم در مناسبت‌های مختلف، نمادی از وحدت و انسجام ملی است که خود، مقدمه‌ای برای ایجاد جامعه جهانی مبتنی بر عدالت در زمان ظهور است.

نظام اسلامی از دو منبع اصلی مشروعیت می‌گیرد: مشروعیت الهی و حمایت مردمی. مشارکت گسترده مردم، همواره پشتوانه‌ای برای اقتدار نظام بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت آن داشته است. حضور مردم در صحنه‌های مختلف انقلاب، به‌ویژه در شرایط بحرانی، مانع از نفوذ دشمنان و خنثی‌کننده نقشه‌های آنان بوده است. «جشن حضور» در این شعار، به نوعی تجلیل از این حضور آگاهانه و مقاومتی است که انقلاب را در برابر تهدیدات حفظ کرده است.

«جشن حضور» یادآور این است که نسل‌های گذشته با حضور آگاهانه خود، انقلاب را به این مرحله رسانده‌اند و اکنون وظیفه نسل جدید است که این راه را ادامه دهد. حضور مردم در مناسبت‌های انقلابی، به‌ویژه در راهپیمایی‌ها و مراسم‌های ملی، نقشی اساسی در تقویت هویت ملی و دینی ایفا می‌کند. نسل جدید با شرکت در این مراسم‌ها، به بخشی از این هویت مشترک تبدیل می‌شود و این مشارکت مردمی در انقلاب اسلامی، مقدمه‌ای برای حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی است. این تمدن، که بر پایه عدالت، اخلاق و پیشرفت بنا شده، بدون حضور و مشارکت فعال مردم قابل تحقق نیست. مردم ایران، با حضور در صحنه‌های مختلف انقلاب، نه تنها به ساخت کشور خود کمک می‌کنند، بلکه الگویی برای سایر ملت‌ها در مسیر مبارزه با ظلم و حرکت به سوی ظهور حضرت مهدی (عج) ارائه می‌دهند. مفهوم حضور و مشارکت مردمی در شعار «جشن حضور تا ظهور» به‌عنوان قلب تپنده انقلاب اسلامی برجسته شده

است. این حضور، نه تنها عامل پیروزی و تداوم انقلاب بوده، بلکه به‌عنوان پلی میان انقلاب اسلامی و ظهور حضرت مهدی (عج)، نشان‌دهنده آمادگی و تلاش مردم برای تحقق عدالت جهانی است. این شعار، یادآور اهمیت و ارزش حضور مردمی در تمام مراحل انقلاب و زمینه‌سازی برای آینده‌ای روشن است.

انسجام و وفاق ملی در شعار «جشن حضور تا ظهور»

وفاق و وحدت ملی یکی از اصول بنیادین انقلاب اسلامی است که همواره به‌عنوان عامل پیروزی، استمرار و پیشرفت نظام اسلامی نقش‌آفرینی کرده است. شعار «جشن حضور تا ظهور» به این اصل اساسی اشاره دارد و بر اهمیت حفظ وفاق و وحدت در تمامی مراحل انقلاب تأکید می‌کند. این شعار با تأکید بر استمرار مسیر انقلاب، پیوند میان نسل‌های مختلف را برجسته می‌کند. نسل‌هایی که با فداکاری، ایمان و تعهد، این مسیر را آغاز کردند، اکنون دستاوردهای خود را به نسل‌های جدید منتقل می‌کنند و آنان را به ادامه این حرکت دعوت می‌کنند. جامعه ایران از تنوع قومیتی، زبانی و فرهنگی گسترده‌ای برخوردار است. شعار «جشن حضور تا ظهور» نمادی از همبستگی این تنوع در زیر چتر ارزش‌های مشترک انقلاب اسلامی و انتظار ظهور است. این وحدت، نشان‌دهنده اراده جمعی برای غلبه بر اختلافات و تمرکز بر آرمان‌های مشترک است.

وفاق و وحدت ملی همواره به‌عنوان سدی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی عمل کرده است. شعار «جشن حضور تا ظهور» دعوتی برای تقویت این انسجام و جلوگیری از تفرقه‌هایی است که می‌تواند مسیر انقلاب را تضعیف کند. انسجام و وحدت ملی، تمرینی برای رسیدن به جامعه جهانی مبتنی بر عدالت و وحدت است که در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) محقق خواهد شد. این وحدت، نه فقط یک هدف ملی بلکه یک مقدمه برای تحقق وعده الهی است.

ماهیت جشن و شادی در انقلاب اسلامی

واژه «جشن» در این شعار به معنای بزرگداشت موفقیت‌ها و پیروزی‌های انقلاب اسلامی است. این شادی، نه صرفاً احساسی زودگذر بلکه نمادی از رضایت و امید به آینده‌ای روشن بر اساس آرمان‌های انقلاب است. در گفتمان انقلاب اسلامی، شادی با معنویت و ارزش‌های دینی پیوند خورده است. جشن در این شعار، نه تنها نشانه‌ای از پایبندی به این ارزش‌هاست، بلکه الگویی برای نشان دادن شادی سالم و هدفمند در یک جامعه دینی است. انقلاب اسلامی با تکیه بر فرهنگ اصیل ایرانی–اسلامی، توانسته شادی را از قالب‌های سطحی و غیراصیل جدا کرده و آن را به عنصری فرهنگی تبدیل کند. «جشن حضور» تأکیدی بر این دیدگاه فرهنگی است. برخلاف بسیاری از انقلاب‌های جهان که با خشونت، اندوه و سرکوب همراه بودند، انقلاب اسلامی از ابتدا پیام‌آور امید و شادی برای مردم بود. این شعار، بازتاب‌دهنده این ویژگی مثبت و بی‌نظیر انقلاب اسلامی است. جشن و شادی جمعی همواره نقشی مؤثر در تقویت

روابط اجتماعی و ایجاد احساس تعلق به یک جامعه واحد دارد. «جشن حضور تا ظهور» به‌عنوان یک فراخوان ملی، مردم را برای شرکت در یک شادی جمعی با محوریت ارزش‌های انقلاب و انتظار ظهور، گرد هم می‌آورد. واژه «جشن» در این شعار به معنای تداوم شادی و پایبندی به ارزش‌ها در تمامی مراحل انقلاب است. این جشن، نشان‌دهنده پایداری مردم در مسیر انقلاب و همراهی با آرمان‌های آن تا زمان تحقق وعده الهی است. جشن حضور، نه تنها بزرگداشت مسیر طی‌شده در انقلاب اسلامی، بلکه مقدمه‌ای برای شادی بزرگ‌تر در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) است. این مفهوم، شادی کنونی را به آینده‌ای درخشان متصل می‌کند و امید مردم را برای تحقق عدالت جهانی زنده نگه می‌دارد.

شعار «جشن حضور تا ظهور» از دو منظر وفاق ملی و مفهوم شادی قابل بررسی است. از یک سو، بر وحدت و همبستگی مردم در طول مسیر انقلاب و انتظار تأکید دارد و از سوی دیگر، شادی را به‌عنوان عنصری اصیل و معنادار در فرهنگ انقلاب اسلامی معرفی می‌کند. این شعار، نه تنها بازتاب‌دهنده دستاوردهای گذشته بلکه ترسیم‌کننده مسیری روشن برای آینده است.

وجه تسمیه نامگذاری ایام‌الله مبارک دهه فجر

روز اول؛ ۱۲ بهمن

عنوان روز: انقلاب اسلامی؛ حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)؛ ولایت و رهبری

امام خمینی (ره): بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و نقش رهبری ایشان

امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی، نه تنها یک سیاستمدار یا رهبر انقلابی، بلکه مرجعی دینی و یک اندیشمند بی‌نظیر در حوزه اسلام فقاهتی و اسلام سیاسی بود. انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، نتیجه تلاش بی‌وقفه و هدایت حکیمانه امام خمینی (ره) بود. ایشان با ارائه مدل حکومت اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر (ص)، نظریه‌ای نوین در جهان اسلام معرفی کردند.

امام به سه اصل اساسی در رهبری انقلاب اسلامی تأکید داشتند:

اعتماد به خدا و ایمان به وعده‌های الهی: امام خمینی (ره) بر پایه باور عمیق به توحید و اراده الهی، مسیر انقلاب را تعریف کردند و تأکید داشتند که پیروزی تنها در گرو ایمان به خدا و حرکت در مسیر ارزش‌های اسلامی است.

اتحاد مردم و روحانیت: یکی از ویژگی‌های برجسته رهبری امام، پیوند میان مردم و روحانیت بود. ایشان توانستند با تکیه بر جایگاه معنوی روحانیت، مردم را به صحنه آورده و از آن‌ها برای تحقق اهداف اسلامی بهره ببرند.

ایستادگی در برابر استکبار: امام خمینی (ره) مبارزه با ظلم و طاغوت را فریضه‌ای دینی دانسته و شعار **"نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی"** را به‌عنوان اصل اساسی سیاست خارجی انقلاب مطرح کردند.

ولایت فقیه: نظریه بنیادین حکومت اسلامی

یکی از دستاوردهای بزرگ فکری و عملی امام خمینی (ره)، تبیین و استقرار نظریه ولایت فقیه به‌عنوان مدل حکومت اسلامی بود. ولایت فقیه بر اساس اندیشه‌های فقهی و اصول کلامی شیعه، به معنای حاکمیت فقیه عادل، آگاه به دین، شجاع، و مدبر است که جامعه اسلامی را در مسیر تحقق احکام الهی و تأمین مصالح مردم هدایت می‌کند.

ویژگی‌های ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره):

فقاهت و عدالت: شرط اساسی برای ولی‌فقیه، آگاهی عمیق به دین و احکام شریعت و همچنین پایبندی به عدالت و تقوا است.

مردم‌سالاری دینی: ولایت فقیه در نظریه امام خمینی (ره) با حضور و مشارکت مردم تکمیل می‌شود. ایشان معتقد بودند که مشروعیت حکومت اسلامی از احکام الهی و مقبولیت اجتماعی آن از رأی مردم نشأت می‌گیرد.

هدایت و تدبیر: ولی‌فقیه وظیفه دارد که بر اساس مصالح اسلام و مسلمین، امور جامعه را تدبیر و هدایت کند و در برابر دشمنان داخلی و خارجی از حقوق مردم دفاع نماید.

رهبری امام خامنه‌ای: استمرار خط ولایت

پس از رحلت امام خمینی (ره)، هدایت انقلاب اسلامی به عهده حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) گذاشته شد. رهبری ایشان در سه دهه گذشته، تجلی استمرار ولایت فقیه و تداوم مسیر امام خمینی (ره) بوده است.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با تکیه بر مبانی نظری ولایت فقیه و تطبیق آن با شرایط جهانی، انقلاب اسلامی را در برابر چالش‌های متعددی از جمله فشارهای بین‌المللی، جنگ نرم، و فتنه‌های داخلی رهبری کردند.

ویژگی‌های رهبری امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی):

حفظ استقلال و اقتدار ملی: ایشان در تمام دوران رهبری خود بر استقلال ایران از قدرت‌های جهانی تأکید داشته و سیاست‌های مقاومت در برابر استکبار را با جدیت دنبال کرده‌اند.

تقویت مردم‌سالاری دینی: با تأکید بر انتخابات و مشارکت سیاسی، ایشان نقش مردم در نظام اسلامی را گسترش داده و آن را عامل پایداری نظام معرفی کرده‌اند.

هدایت فرهنگی و معنوی: ایشان همواره بر اهمیت جنگ نرم و تلاش برای حفظ هویت فرهنگی و دینی جامعه تأکید داشته‌اند.

حمایت از مستضعفین جهان: تحت رهبری امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)، ایران به محور حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان، به‌ویژه فلسطین و مقاومت اسلامی، تبدیل شده است.

پیوند میان ولایت و حرکت انقلابی مردم ایران

نقش رهبری در انقلاب اسلامی، نه تنها در هدایت انقلاب به پیروزی بلکه در تداوم و تثبیت آن، بی‌بدیل بوده است. ولایت فقیه، به‌عنوان ستون محوری نظام جمهوری اسلامی، توانسته است میان اهداف دینی و خواست عمومی مردم پیوندی عمیق برقرار کند.

انقلاب اسلامی، ولایی‌ترین حرکت مردمی در تاریخ معاصر است و این انقلاب نشان داد که ولایت فقیه نه یک نظریه صرفاً دینی، بلکه یک نظام عملی برای اداره جامعه است که می‌تواند الگوی جدیدی برای امت اسلامی باشد.

امام خمینی (ره) با طرح نظریه ولایت فقیه، انقلاب اسلامی ایران را پایه‌گذاری کردند و امام خامنه‌ای با رهبری مدبرانه خود، آن را در مسیر تحقق آرمان‌های الهی و انقلابی هدایت کرده‌اند. این دو رکن اساسی، عامل پایداری انقلاب اسلامی در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی بوده و همچنان نقطه اتکای نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

روز اول از ایام‌الله دهه فجر با عنوان «انقلاب اسلامی؛ حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)؛ ولایت و رهبری» به‌منظور بازشناسی و تأکید بر جایگاه حضرت امام خمینی (ره) در شکل‌گیری و هدایت انقلاب اسلامی و معرفی مفاهیم اساسی «ولایت فقیه» و «رهبری» در انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نام‌گذاری شده است. این روز به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی، اهمیت ویژه‌ای در تقویت بنیان‌های فکری، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی دارد. اهداف اصلی این نامگذاری به شرح زیر است:

۱ .تبیین و بازخوانی انقلاب اسلامی

هدف اصلی: روز اول دهه فجر باید به بازخوانی تاریخ‌ساز انقلاب اسلامی ایران اختصاص یابد. انقلاب اسلامی نه‌تنها یک تحول سیاسی و اجتماعی بزرگ در ایران بود، بلکه به‌عنوان الگویی برای جنبش‌های آزادی‌خواهانه در سطح جهانی شناخته شد. انقلاب اسلامی ایران با رهبری حضرت امام خمینی (ره) یک نهضت فکری و فرهنگی بود که بر اساس ارزش‌های دینی و اسلامی به پیروزی رسید.

محورهای مرتبط با انقلاب اسلامی:

- مبارزه با استبداد و استعمار: تلاش برای پایان دادن به رژیم سلطنتی و منحوس پهلوی که وابسته به قدرت‌های استعماری بود.
- جلب مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی کشور: اساس انقلاب اسلامی بر مشارکت مردمی و خواست عمومی مردم ایران استوار بود.
- استقرار نظام جمهوری اسلامی: تأسیس جمهوری اسلامی به‌عنوان الگویی جدید برای حکمرانی بر مبنای دین و اصول اسلامی.

۲ .نقش حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) در رهبری انقلاب اسلامی

هدف اصلی: تأکید بر نقش بی‌بدیل حضرت امام خمینی (ره) در رهبری نهضت انقلاب اسلامی و هدایت آن به سمت پیروزی.

امام خمینی به‌عنوان رهبری الهی و آگاه، توانست نه تنها مردم ایران را در برابر رژیم شاهنشاهی بسیج کند، بلکه در پیاده‌سازی اصول انقلاب اسلامی، رهبری بی‌نظیر خود را به جهانیان ثابت کند.

محورهای کلیدی در رابطه با امام خمینی (ره):

- رهبری فکری و مذهبی: امام خمینی با تبیین مفاهیم نوینی مانند «ولایت فقیه»، انقلاب اسلامی را از یک حرکت صرف سیاسی به یک انقلاب دینی و اجتماعی تبدیل کرد.
- استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی: امام خمینی تأکید داشت که انقلاب باید به‌دنبال تحقق استقلال کشور از نفوذ بیگانگان و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی باشد.
- شجاعت و عزم راسخ: حضرت امام خمینی در برابر تمام فشارها، تهدیدات و موانع داخلی و خارجی ایستادگی کرد و راه انقلاب را تا پیروزی نهایی هموار ساخت.

۳ .نظریه ولایت فقیه و رهبری

هدف اصلی: توضیح و تبیین اهمیت نظریه ولایت فقیه که پایه‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران است و تأکید بر نقش رهبری در استمرار انقلاب اسلامی.

ولایت فقیه یکی از مهم‌ترین ارکان انقلاب اسلامی است که حضرت امام خمینی (ره) آن را به‌عنوان نظریه‌ای جدید برای حکمرانی اسلامی معرفی کرد. طبق این نظریه، رهبری جامعه اسلامی باید در دست فقیه عادل و آگاه به مسائل دینی و اجتماعی باشد تا نه تنها از اصول اسلامی در اداره جامعه دفاع کند بلکه جامعه را به سمت تحقق اهداف عالی انسانی هدایت نماید.

محورهای کلیدی در رابطه با ولایت فقیه و رهبری:

- مبانی نظری ولایت فقیه: امام خمینی (ره) در آثار خود نظریه ولایت فقیه را به‌طور کامل شرح داد. ایشان بر این باور بودند که فقهای اسلام نه‌تنها باید به‌عنوان حاکمان دینی جامعه را هدایت کنند بلکه به‌عنوان پیشوایان سیاسی نیز باید سرنوشت ملت را در دست بگیرند.
- رهبری در انقلاب اسلامی: رهبری حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان شخصیتی جامع‌الشرایط، موجب وحدت و هماهنگی مردم در مقابل رژیم پهلوی شد. او با درک درست از شرایط اجتماعی و سیاسی ایران و جهان، توانست انقلابی بزرگ را رهبری کند.
- استمرار انقلاب و رهبری پس از امام: ولایت فقیه و رهبری یکی از اصول اساسی برای استمرار انقلاب اسلامی و مقابله با چالش‌های داخلی و خارجی است. امام خمینی (ره) نه‌تنها رهبری انقلاب را در شرایط بحرانی عهده‌دار شد بلکه با تأسیس نهادهای حکومتی بر اساس اصول اسلامی، مسیر پیشرفت و حفظ استقلال کشور را ترسیم کرد.

۴ .آگاهی‌رسانی به جامعه

هدف اصلی: هدف از این روز تنها تأکید بر ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی نیست، بلکه باید در جامعه آگاهی‌سازی گسترده‌ای درباره مفاهیم انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، ولایت فقیه و رهبری صورت گیرد.

محورهای آگاهی‌رسانی:

- آموزش درباره ابعاد مختلف انقلاب اسلامی و نقش امام خمینی (ره) در ایجاد تحول بزرگ.
- تبیین نظریه ولایت فقیه و لزوم آن در حفظ استقلال و پیشرفت کشور.
- بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی در طول ۴۶ سال گذشته و تأکید بر اهمیت رهبری در هر دوره.

۵ .جذب مشارکت فعال جامعه در برنامه‌های روز اول

هدف اصلی: جلب مشارکت عمومی در برنامه‌های مختلف این روز، به‌ویژه در مناطقی که مردم بیشتر از این مفاهیم آگاهی ندارند.

برنامه‌های این روز باید به گونه‌ای طراحی شوند که مردم را به مشارکت در برنامه‌های مختلف فرهنگی، مذهبی و اجتماعی دعوت کند تا در نهایت بتوان مفاهیم انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و رهبری را در میان نسل‌های جدید زنده نگه داشت.

نامگذاری این روز با محوریت «انقلاب اسلامی؛ حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)؛ ولایت و رهبری» فرصتی است تا ارزش‌های انقلاب اسلامی و اصول رهبری امام خمینی (ره) به‌ویژه نظریه ولایت فقیه و نقش رهبری در استمرار انقلاب اسلامی برای جامعه تبیین و ترویج گردد. این روز می‌تواند به‌عنوان مبنای شناخت و تحلیل عمیق‌تر از تاریخ انقلاب اسلامی و اصول آن در راستای تحکیم پایه‌های نظام جمهوری اسلامی و استمرار آن عمل کند.

روز دوم؛ ۱۳ بهمن
عنوان روز: انقلاب اسلامی؛ تحکیم خانواده، عفاف و حجاب، سبک زندگی ایرانی و اسلامی

برای روز دوم با عنوان «انقلاب اسلامی؛ تحکیم خانواده، عفاف و حجاب، سبک زندگی ایرانی و اسلامی»، ابتدا باید به تشریح دقیق و مفصل مبانی هر یک از مفاهیم پرداخته شود و ارتباط آن‌ها با گفتمان انقلاب اسلامی و اصول بنیادین آن روشن گردد. این مفاهیم نقش اساسی در شکل‌گیری و استمرار انقلاب اسلامی و نیز هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی ملت ایران دارند. در ادامه، مبانی هر یک از این مفاهیم در گفتمان انقلاب اسلامی به طور جداگانه تشریح می‌شود:

۱. انقلاب اسلامی و تحکیم خانواده

خانواده یکی از ارکان بنیادین در گفتمان انقلاب اسلامی است که به‌عنوان واحد اجتماعی و فرهنگی، نقشی اساسی در تربیت نسل‌های آینده و حفظ هویت دینی و فرهنگی دارد. حضرت امام خمینی (ره) همواره بر جایگاه ویژه خانواده در پیوند با اصول اسلامی تأکید داشتند. در این گفتمان، خانواده تنها یک نهاد اجتماعی نیست، بلکه یک نهاد معنوی است که در آن روابط انسانی، اسلامی و اخلاقی نقش مهمی ایفا می‌کند.

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حرکت فرهنگی-اجتماعی، اهمیت زیادی به تحکیم بنیان خانواده و نقش آن در شکل‌دهی به جامعه اسلامی داد. این تحکیم خانواده در گفتمان انقلاب اسلامی به معنای توجه به وظایف و مسئولیت‌های اعضای خانواده در تربیت صحیح و پایبندی به اصول دینی است. الگوی خانواده اسلامی که در انقلاب اسلامی به‌عنوان معیار اصلی برای تربیت نسل‌های سالم و متعهد معرفی شد، باید بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) استوار باشد. این الگو شامل احترام متقابل، تعاون و هم‌دلی میان اعضای خانواده است. انقلاب اسلامی بر توانمندسازی خانواده‌ها و فراهم‌سازی امکانات اجتماعی و اقتصادی برای آن‌ها تأکید داشت تا بتوانند در فرآیند رشد و تعالی جامعه نقش مؤثری ایفا کنند.

۲. عفاف و حجاب در گفتمان انقلاب اسلامی

عفاف و حجاب به‌عنوان یکی از اصول مهم در گفتمان انقلاب اسلامی، ارتباطی مستقیم با هویت دینی و فرهنگی جامعه دارد. در اسلام، عفاف به معنای پرهیز از بی‌حجابی و نمایش بی‌جا از بدن است و حجاب به‌عنوان پوششی است که انسان را از نگاه‌های آلوده محفوظ می‌دارد. در انقلاب اسلامی، حجاب نه‌تنها به‌عنوان یک دستور دینی بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای حفظ کرامت انسانی و هویت فرهنگی جامعه مطرح شد. در گفتمان انقلاب اسلامی، حجاب نه‌تنها یک دستور دینی بلکه ابزاری برای حفظ شخصیت فردی و اجتماعی زنان به‌شمار می‌رود. این مفهوم به زنان

این امکان را می‌دهد که در جامعه حضور داشته باشند بدون آنکه هویت و شخصیت آن‌ها از دست برود. در دوران قبل از انقلاب، فرهنگ غربی و بی‌حجابی به‌عنوان یکی از ابزارهای سلطه فرهنگی به‌ویژه از سوی رژیم پهلوی تحمیل می‌شد. انقلاب اسلامی با تأکید بر حجاب و عفاف، در مقابل این سلطه فرهنگی ایستاد و بر ضرورت حفظ اصول اسلامی و فرهنگی تأکید کرد. زنان در انقلاب اسلامی ایران نقش بسیار مهمی ایفا کردند. حجاب به‌عنوان نمادی از هویت اسلامی، به زنان این قدرت را داد که در انقلاب مشارکت کنند بدون آنکه ارزش‌های خود را فدای حضور اجتماعی کنند.

۳. سبک زندگی ایرانی و اسلامی

سبک زندگی ایرانی و اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان الگویی از زندگی اخلاقی، دینی و فرهنگی مطرح می‌شود. این سبک زندگی ترکیبی از آموزه‌های دینی اسلام و اصول فرهنگی ایرانی است که به زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی انسان‌ها جهت می‌دهد. این سبک زندگی نه‌تنها بر اساس آموزه‌های دینی بلکه بر اساس تجربیات تاریخی و فرهنگی ملت ایران شکل گرفته است. انقلاب اسلامی ایران به‌دنبال احیای اصول اسلامی در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم بود. این احیاء شامل روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی می‌شد. در این سبک زندگی، نقش معنویت، اخلاق و ارزش‌های دینی در تنظیم رفتارهای فردی و جمعی بسیار مهم است.

در سبک زندگی ایرانی و اسلامی، خانواده نقش محوری دارد و باید در این نهاد ارزش‌های اسلامی مانند محبت، صبر، تعاون و احترام متقابل پرورش یابد. در عین حال، جامعه نیز باید بر اساس اصول اسلامی مانند عدالت، برابری و همبستگی بنا شود. انقلاب اسلامی همچنین سبک زندگی مقاومتی را نیز معرفی کرد. این سبک زندگی بر اساس ایستادگی در برابر ظلم، استکبار و بی‌عدالتی‌ها شکل می‌گیرد. در این مدل، افراد به‌ویژه در برابر فشارهای خارجی و داخلی، از اصول انقلاب و ارزش‌های اسلامی دفاع می‌کنند.

در گفتمان انقلاب اسلامی، مفاهیم «تحکیم خانواده»، «عفاف و حجاب»، و «سبک زندگی ایرانی و اسلامی» به‌عنوان ارکان بنیادین برای حفظ هویت اسلامی و فرهنگی جامعه ایرانی و توسعه آن در مسیر پیشرفت و تعالی قرار دارند. این مفاهیم نه‌تنها به‌عنوان اصول دینی بلکه به‌عنوان راهکارهایی برای مقابله با فرهنگ غربی و استعماری مطرح می‌شوند. بنابراین، هرکدام از این مفاهیم باید در برنامه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و آموزشی مورد توجه قرار گیرد تا جامعه به‌طور مستمر به ارزش‌های انقلاب اسلامی پایبند بماند.

روز سوم؛ ۱۴ بهمن
انقلاب اسلامی؛ نهضت علمی و فناوری ، پیشرفت و خودکفایی

در گفتمان انقلاب اسلامی، مسئله علم و فناوری نه تنها به‌عنوان یک عنصر ضروری برای پیشرفت کشور، بلکه به‌عنوان یکی از ابعاد اساسی حرکت انقلابی در جهت استقلال و خودکفایی مطرح شد. انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر اصولی چون خودباوری، اتکا به منابع داخلی و تحقق استقلال در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در زمینه علم و فناوری، مسیر جدیدی را برای کشور گشود. این نهضت علمی و فناوری که از روزهای نخستین انقلاب آغاز شد، هدفش نه تنها برتری در سطح منطقه‌ای بلکه شکوفایی توانمندی‌های داخلی و قطع وابستگی به کشورهای بیگانه بود. در پی انقلاب اسلامی، تغییرات گسترده‌ای در سیاست‌های علمی و آموزشی کشور به‌وجود آمد. با نگاه جدیدی که انقلاب به علم داشت، تلاش‌های زیادی برای توسعه آموزش و پژوهش در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در علوم پایه، مهندسی و پزشکی صورت گرفت. اما مهم‌ترین ویژگی این تغییرات، تأکید بر تولید علم در داخل کشور بود. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال آن بود که با سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف علمی، بتواند به خودکفایی علمی برسد و در برابر سلطه و وابستگی به کشورهای توسعه‌یافته قرار گیرد.

یکی از پایه‌های این نهضت، تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مختلف در سراسر کشور بود که به‌طور ویژه در مناطق محروم و دورافتاده نیز گسترش پیدا کرد. در این فرآیند، آموزش عالی به‌عنوان ابزاری برای پرورش نیروهای متخصص و توانمند با هدف پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف علمی و فناوری قرار گرفت. اما شاید مهم‌ترین ویژگی این نهضت علمی در دوران پس از انقلاب، نه فقط رشد کمی در تعداد دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها، بلکه رشد کیفی در آموزش و پژوهش‌های علمی بود.

همچنین یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه، توسعه فناوری‌های نوین در داخل کشور بود. صنایع داخلی با استفاده از نخبگان علمی کشور توانستند به مرحله‌ای برسند که دیگر به واردات فناوری‌های خارجی نیازی نداشتند. این خودکفایی در عرصه فناوری‌های مختلف مانند نانو، هوافضا، انرژی هسته‌ای و داروسازی، نه تنها توانمندی‌های داخلی کشور را به نمایش گذاشت، بلکه ایران را در زمره کشورهای صاحب‌نظر و پیشرفته در برخی از این حوزه‌ها قرار داد.

در این راستا، همچنین تأکید زیادی بر توسعه کارآفرینی علمی و فناوری وجود داشت. این امر با هدف ایجاد محیطی مناسب برای رشد و توسعه ایده‌های نوآورانه، راه‌اندازی شرکت‌های دانش‌بنیان و حمایت از استارتاپ‌ها صورت می‌گرفت. بنابراین، نهضت علمی انقلاب اسلامی نه تنها به ایجاد دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها محدود نبود، بلکه به‌طور خاص بر روی فعالیت‌های کاربردی و نوآورانه‌ای که می‌تواند به استقلال کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی و صنعتی منجر شود، تأکید داشت.

در کنار این پیشرفت‌ها، انقلاب اسلامی همچنین توجه خاصی به فناوری‌های بومی و مطابق با نیازهای داخلی کشور داشت. به‌جای اتکا به تکنولوژی‌های خارجی که گاهی با محدودیت‌ها و وابستگی‌هایی همراه بود، تلاش شد تا با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، در زمینه‌های مختلف فناوری به توانمندی‌هایی دست یابیم که نیازهای داخلی را تأمین کند و از وابستگی‌های خارجی بکاهد.

از دیگر ابعاد مهم در این گفتمان، ایجاد و تقویت نهادهای تحقیقاتی و فناوری مانند پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان بود که به‌طور ویژه در این سال‌ها توانسته‌اند نقش مهمی در تبدیل ایده‌های علمی به محصولات تجاری ایفا کنند. این نهادها با حمایت‌های مالی و معنوی، بستری مناسب برای نخبگان علمی فراهم کرده‌اند تا دستاوردهای خود را به مرحله تجاری‌سازی برسانند.

در نهایت، نهضت علمی و فناوری انقلاب اسلامی نه تنها به‌عنوان یک حرکت برای خودکفایی اقتصادی، بلکه به‌عنوان یک اصل بنیادین برای مقابله با سلطه‌گری‌های خارجی و افزایش اقتدار ملی در عرصه‌های جهانی شناخته می‌شود. این حرکت به‌طور مستمر در مسیر تحقق اهداف بلندمدت کشور در جهت استقلال علمی، اقتصادی و فرهنگی ادامه یافته و امروزه نیز همچنان در کانون توجهات است.

روز چهارم؛ ۱۵ بهمن
انقلاب اسلامی؛ تولید ملی ، جهش اقتصادی با مشارکت مردم

در گفتمان انقلاب اسلامی، یکی از اهداف اصلی و بنیادین، ایجاد تحول در ساختار اقتصادی کشور به‌منظور تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی بود. این تحول به‌ویژه در عرصه تولید ملی و جهش اقتصادی با مشارکت مردم نمود پیدا کرد. انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حرکت رهایی‌بخش نه تنها از منظر سیاسی، بلکه در زمینه اقتصادی نیز بر پایه اصولی چون استقلال اقتصادی، مردمی بودن و اتکا به ظرفیت‌های داخلی شکل گرفت.

مسئله تولید ملی در گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان یک اصل اساسی برای تحقق خودکفایی کشور و کاهش وابستگی به کشورهای خارجی مطرح شد. پس از پیروزی انقلاب، ضرورت داشت که اقتصاد کشور از وابستگی به واردات و منابع خارجی رهایی یابد و این امر تنها با تقویت تولید داخلی و بهره‌برداری از منابع داخلی ممکن بود. انقلاب اسلامی با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و با توجه به ظرفیت‌های عظیم انسانی و طبیعی موجود در کشور، حرکت به‌سمت تولید ملی را به‌عنوان اولویت اصلی قرار داد.

از جنبه نظری، این حرکت را می‌توان در قالب اصول توسعه درون‌زا و خوداتکایی تحلیل کرد. در این راستا، مفهوم "تولید ملی" نه‌فقط به‌عنوان تولید کالاهای مصرفی و صنعتی، بلکه به‌عنوان یک فرآیند اقتصادی جامع در نظر گرفته شد که در آن، صنایع داخلی، کشاورزی، معدن، خدمات و سایر بخش‌ها باید با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و افزایش بهره‌وری، به سطحی برسند که بتوانند نیازهای داخلی کشور را تأمین کنند و از وابستگی به واردات بکاهند.

این مسیر از یک‌سو با حمایت از تولیدکنندگان داخلی و تخصیص منابع مالی، حمایت‌های فنی و آموزشی، و از سوی دیگر با تأکید بر اصلاحات ساختاری در اقتصاد داخلی دنبال شد. هدف اصلی، تقویت صنایع بومی و حرکت به‌سمت ایجاد یک اقتصاد مقاومتی بود که در آن وابستگی به خارج و آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌ها به حداقل برسد. در این راستا، سیاست‌های مختلفی مانند حمایت از تولیدکنندگان داخلی از طریق پرداخت تسهیلات، کاهش مالیات‌ها و همچنین تأسیس پارک‌های فناوری برای رشد و گسترش شرکت‌های دانش‌بنیان اتخاذ شد.

اما تولید ملی بدون مشارکت مردم نمی‌توانست به نتیجه برسد. در گفتمان انقلاب اسلامی، مردم به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تحقق اهداف اقتصادی مطرح بودند. انقلاب اسلامی همواره بر مشارکت فعال و نقش مردم در عرصه‌های مختلف تأکید داشته است. این مشارکت نه‌تنها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، بلکه در عرصه اقتصادی نیز از اهمیت

ویژه‌ای برخوردار بود. در این چارچوب، مردم نه‌فقط به‌عنوان مصرف‌کننده، بلکه به‌عنوان تولیدکننده و سرمایه‌گذار در نظر گرفته شدند.

این مشارکت مردمی در زمینه تولید ملی و جهش اقتصادی با در نظر گرفتن مشارکت در تأسیس کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در بخش‌های مختلف اقتصادی، و همچنین نقش آفرینی در طرح‌های کشاورزی و صنعتی تحقق یافت. در این مسیر، حمایت‌های دولتی از بخش خصوصی، به‌ویژه در قالب تسهیلات ارزان‌قیمت، معافیت‌های مالیاتی و مشوق‌های صادراتی، موجب شد تا مردم بتوانند با اعتماد به خود، به‌ویژه در مناطق دورافتاده و محروم، به فعالیت‌های اقتصادی پرداخته و در تحقق اهداف اقتصادی انقلاب سهم بسزایی داشته باشند.

برای تحقق جهش اقتصادی، نیاز بود که صنایع کشور نه‌فقط به‌طور کمی گسترش یابند، بلکه از نظر کیفی نیز ارتقا پیدا کنند. این امر به‌ویژه در حوزه‌هایی چون صنعت نفت، پتروشیمی، فولاد، ماشین‌آلات سنگین و صنایع الکترونیک مطرح شد. علاوه بر این، توسعه در بخش‌های کشاورزی و خدمات نیز به‌طور جدی در دستور کار قرار گرفت. در نتیجه، برای دستیابی به رشد اقتصادی، افزایش تولید ملی و خودکفایی، همگرایی میان سیاست‌های اقتصادی دولت و مشارکت فعال بخش خصوصی و مردم به‌ویژه در مناطق محروم امری ضروری بود.

چنین رویکردی در نهایت به تحقق هدف‌های کلان اقتصادی انقلاب اسلامی در زمینه تأمین نیازهای داخلی، ایجاد اشتغال، بهبود سطح زندگی مردم و کاهش فقر انجامید. در این راستا، بخش‌های مختلف اقتصادی کشور، به‌ویژه صنایع کوچک و متوسط، به‌عنوان عاملان اصلی در تحقق جهش اقتصادی شناخته شدند. این بخش‌ها توانستند با استفاده از منابع داخلی و ظرفیت‌های موجود، به سمت تولید کالاهایی حرکت کنند که نه‌تنها نیازهای داخلی کشور را تأمین می‌کرد، بلکه ایران را قادر ساخت تا در بازارهای جهانی رقابت کند.

همچنین، برنامه‌های حمایتی دولت در زمینه آموزش، تحقیق و توسعه، به‌ویژه در صنایع نوین مانند صنایع دفاعی، فناوری اطلاعات، نانو و بیوتکنولوژی، موجب رشد سریع این صنایع و کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی شد. این سیاست‌ها به‌طور مستقیم با اهداف کلان اقتصادی انقلاب اسلامی در راستای تولید ملی، جهش اقتصادی و خودکفایی کشور ارتباط داشتند. در نهایت، حرکت به‌سمت تولید ملی و مشارکت مردم در این فرآیند، به‌عنوان یکی از ارکان تحقق اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی، موجب شد تا کشور در برابر تهدیدات اقتصادی و تحریم‌های جهانی مقاوم‌تر شود.

روز پنجم؛ ۱۶ بهمن
انقلاب اسلامی؛ تربیت قرآنی، سلوک معنوی

تربیت قرآنی و سلوک معنوی از مبانی اساسی انقلاب اسلامی و رکن اساسی برای ساخت جامعه‌ای متعالی و عدالت‌محور محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی، دارای ابعاد عمیق فرهنگی و معنوی است که از آموزه‌های قرآنی و اسلامی سرچشمه می‌گیرد. این رویکرد معنوی در تلاش است تا انسان‌ها را نه‌تنها به سوی رشد و تعالی فردی، بلکه به‌سمت تشکیل جامعه‌ای اخلاقی و الهی هدایت کند. در این زمینه، تربیت قرآنی به‌عنوان یک رویکرد بنیادین در تربیت انسانی و سلوک معنوی به‌عنوان مسیر عملی و روحانی تکامل انسان، نقش کلیدی ایفا می‌کنند.

تربیت قرآنی به معنای تعلیم و تربیتی است که بر اساس آموزه‌ها و مفاهیم قرآن کریم شکل می‌گیرد. قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت، تمامی ابعاد زندگی انسان را پوشش می‌دهد و از آن به‌عنوان مرجعی برای تبیین نظام‌های تربیتی و اخلاقی استفاده می‌شود. تربیت قرآنی شامل سه بعد اصلی است: **ایمان و اعتقاد، اخلاق و رفتار، و عمل صالح**.

ایمان و اعتقاد: تربیت قرآنی از انسان می‌خواهد به وحدانیت خداوند ایمان داشته باشد و این باور را در تمامی ابعاد زندگی خود جاری کند. این اعتقاد زیربنای اصلی تربیت است و انسان را به‌سوی آرامش درونی، اعتماد به خداوند و تقویت امید و توکل هدایت می‌کند.

اخلاق و رفتار: قرآن کریم تأکید فراوانی بر اخلاق دارد و صفات پسندیده‌ای همچون صداقت، امانت‌داری، عدالت، و فروتنی را به‌عنوان اصولی برای تربیت انسان معرفی می‌کند. این ویژگی‌ها، علاوه بر ایجاد همبستگی اجتماعی، پایه‌ای برای رشد و تعالی معنوی فردی نیز فراهم می‌کند.

عمل صالح: تربیت قرآنی بر عمل تأکید دارد. ایمان بدون عمل در آموزه‌های قرآنی ناقص است و عمل صالح به‌عنوان تجلی ایمان و اخلاق قرآنی شناخته می‌شود. این عمل شامل عبادات فردی، رفتارهای اجتماعی و تلاش در جهت پیشرفت جامعه است.

تربیت قرآنی همچنین بر آموزش مفاهیمی چون تفکر، تعقل، و تدبر تأکید دارد. قرآن از انسان می‌خواهد که در آیات الهی و نشانه‌های طبیعت تفکر کند و با شناخت عمیق از خود و جهان پیرامون، مسیر صحیح را انتخاب نماید. این نگاه به تربیت، علاوه بر پرورش بعد معنوی انسان، به رشد عقلانی و فکری او نیز کمک می‌کند.

سلوک معنوی به معنای حرکت آگاهانه و هدفمند انسان در مسیر تقرب به خداوند و رسیدن به کمال انسانی است. این سلوک بر اساس آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر اسلام (ص) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بنا شده است و انسان را به‌سوی تهذیب نفس، تقویت ایمان و رسیدن به مقام قرب الهی هدایت می‌کند.

سلوک معنوی شامل دو بخش اصلی است: تزکیه نفس و تقویت ارتباط با خداوند.

تزکیه نفس: قرآن کریم بر اهمیت تهذیب نفس تأکید فراوانی دارد و در آیه‌ای بیان می‌کند: "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا" (سوره شمس، آیه ۹)؛ یعنی، کسی که نفس خود را پاک کند، به فلاح و رستگاری می‌رسد. تزکیه نفس شامل پاک‌سازی انسان از صفات ناپسند مانند حسد، تکبر، و خشم و جایگزینی این صفات با ویژگی‌های پسندیده‌ای همچون تواضع، صبر، و محبت است.

تقویت ارتباط با خداوند: این بخش از سلوک معنوی شامل انجام عبادات و اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک‌تر می‌کند. نماز، روزه، دعا، و قرائت قرآن از جمله اعمالی هستند که ارتباط انسان با خداوند را تقویت می‌کنند. قرآن کریم همچنین بر اهمیت ذکر و یاد خدا تأکید دارد و آن را عاملی برای آرامش قلب و رشد معنوی معرفی می‌کند: "أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" (سوره رعد، آیه ۲۸).

تربیت قرآنی و سلوک معنوی نه‌تنها در رشد و تعالی فردی، بلکه در ساخت و تقویت جامعه اسلامی نیز نقش حیاتی ایفا می‌کنند. یک جامعه مبتنی بر تربیت قرآنی، جامعه‌ای است که در آن ارزش‌های اخلاقی و انسانی حاکم است. در چنین جامعه‌ای، عدالت اجتماعی، همبستگی و انسجام میان افراد تقویت می‌شود و فرهنگ ایثار، صداقت و خدمت به مردم ترویج می‌یابد.

سلوک معنوی نیز به‌عنوان یک فرآیند فردی و اجتماعی، می‌تواند به تقویت روحیه همبستگی و مشارکت در جامعه کمک کند. افراد متخلق به سلوک معنوی، به‌دلیل تهذیب نفس و تقویت ایمان، نسبت به مشکلات دیگران حساس‌تر هستند و در راستای رفع این مشکلات تلاش می‌کنند. این نگرش به‌ویژه در گفتمان انقلاب اسلامی که بر عدالت اجتماعی و خدمت به مردم تأکید دارد، بسیار اهمیت پیدا می‌کند.

در انقلاب اسلامی ایران، تربیت قرآنی و سلوک معنوی به‌عنوان یک راهبرد کلیدی برای مقابله با بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و همچنین برای تقویت هویت دینی و ملی در جامعه به کار گرفته شد. آموزه‌های قرآنی در نظام آموزشی و فرهنگی کشور جایگاه ویژه‌ای پیدا کردند و برنامه‌هایی مانند حفظ و قرائت قرآن، مسابقات قرآنی و تربیت مربیان قرآنی در سراسر کشور اجرا شد.

سلوک معنوی نیز به‌عنوان بخشی از هویت دینی جامعه، در قالب مراسم عبادی، برنامه‌های معنوی مانند اعتکاف و زیارت، و آموزش‌های اخلاقی در مدارس و دانشگاه‌ها ترویج یافت. این اقدامات به تقویت فرهنگ دینی و معنوی در جامعه کمک کرد و باعث شد که مردم ایران در برابر مشکلات و چالش‌های مختلف با قدرت و ایمان بیشتری مقاومت کنند.

روز ششم؛ ۱۷ بهمن
انقلاب اسلامی؛ هنر متعهد، رسانه انقلابی، جهاد تبیین

انقلاب اسلامی ایران، از بدو شکل‌گیری تا امروز، بر پایه مفاهیمی همچون آگاهی‌بخشی، تقویت هویت دینی و ملی، و دفاع از ارزش‌های انسانی استوار بوده است. در این میان، هنر متعهد، رسانه انقلابی، و جهاد تبیین سه رکن اساسی برای ترویج این آرمان‌ها و مقابله با جنگ نرم دشمنان بوده‌اند. این سه مفهوم در تعامل و تکامل با یکدیگر، نقش محوری در انتقال پیام انقلاب اسلامی، تقویت گفتمان انقلاب، و ایجاد ایستادگی در برابر تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای دارند.

هنر متعهد، هنری است که از قالب‌های صرفاً زیبایی‌شناسانه عبور کرده و در خدمت اهداف والای انسانی و اجتماعی قرار می‌گیرد. انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از هنر به‌عنوان ابزاری قدرتمند، توانست پیام عدالت، استقلال و آزادی را به مخاطبان داخلی و جهانی منتقل کند. هنر متعهد در انقلاب اسلامی، برخلاف هنر ابزاری که گاهی در خدمت استثمار فرهنگی و تحریف حقایق قرار می‌گیرد، به ترویج فضایل اخلاقی، نقد بی‌عدالتی، و تقویت امید و ایمان در جامعه می‌پردازد. از شعر و موسیقی تا سینما و تئاتر، این هنر تلاش دارد تا با بیان هنرمندانه، گفتمان انقلاب اسلامی را به‌عنوان الگویی جهانی معرفی کند. در این راستا، آثار هنری انقلابی، علاوه بر روایت حماسه‌ها و ارزش‌های دینی، بستری برای طرح چالش‌های اجتماعی و ارتقای آگاهی عمومی فراهم کرده‌اند.

رسانه انقلابی، دیگر رکن اساسی در این مسیر است. رسانه در دنیای امروز، ابزاری بی‌بدیل برای انتقال اطلاعات، شکل‌دهی به افکار عمومی، و تقویت یا تخریب هویت‌های فرهنگی و اجتماعی است. انقلاب اسلامی با درک این اهمیت، از همان ابتدا تلاش کرد تا رسانه‌هایی متعهد و پیشرو ایجاد کند که نه‌تنها پیام انقلاب را منتقل کنند، بلکه با جنگ نرم و عملیات روانی دشمن مقابله نمایند. رسانه انقلابی باید ویژگی‌هایی همچون صداقت، شفافیت، و تعهد به ارزش‌های دینی و ملی داشته باشد و در عین حال، با به‌کارگیری تکنیک‌های روزآمد و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، بتواند مخاطبان گسترده‌ای را جذب کند. رسانه انقلابی، به‌ویژه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نقشی کلیدی در مقابله با جریان‌های معاند و ترویج گفتمان مقاومت ایفا می‌کند. این رسانه، علاوه بر اطلاع‌رسانی دقیق، به تحلیل عمیق مسائل، ارائه راهکارهای عملی، و ایجاد همبستگی در جامعه نیز می‌پردازد.

جهاد تبیین، به‌عنوان یک وظیفه الهی و انقلابی، مکمل هنر متعهد و رسانه انقلابی است. این مفهوم که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد، به معنای تلاش بی‌وقفه برای بیان حقیقت، رفع شبهات، و مقابله با جریان‌های تحریف و دروغ است. در شرایط کنونی که دشمنان انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای و فرهنگی، تلاش دارند تا

حقیقت را وارونه جلوه دهند و ذهنیت عمومی را تخریب کنند، جهاد تبیین ضرورتی انکارناپذیر است. این جهاد، نه‌تنها در عرصه‌های رسمی و رسانه‌ای، بلکه در سطح فردی و اجتماعی نیز جریان دارد و هر فرد انقلابی موظف است با استفاده از توانایی‌ها و دانش خود، در مسیر روشنگری و آگاهی‌بخشی گام بردارد. جهاد تبیین، پاسخی قاطع به جنگ روایت‌ها است که در آن، تلاش می‌شود تا ارزش‌های انقلاب اسلامی از طریق روایت‌های صادقانه، مستند و منطقی به نسل‌های مختلف منتقل شود.

هنر متعهد، رسانه انقلابی، و جهاد تبیین، هر سه در چارچوب یک هدف مشترک قرار دارند: حفاظت از هویت دینی و ملی، ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، و مقابله با چالش‌های فرهنگی و فکری. این سه رکن، در تعامل با یکدیگر، می‌توانند بستری برای تقویت امید، افزایش مشارکت اجتماعی، و ایجاد همبستگی میان نسل‌های مختلف فراهم کنند. هنر متعهد، با زبان خلاقانه و اثرگذاری خود، احساسات و افکار مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ رسانه انقلابی، با بهره‌گیری از این ظرفیت هنری، پیام‌های انقلاب را به شیوه‌ای گسترده و همه‌جانبه منتقل می‌کند؛ و جهاد تبیین، با عمق‌بخشی به این پیام‌ها، زمینه‌ساز ایجاد بصیرت و آگاهی در جامعه می‌شود.

در مجموع، روز انقلاب اسلامی با محوریت هنر متعهد، رسانه انقلابی، و جهاد تبیین، فرصتی است برای تأکید بر نقش این ابزارها در تحقق آرمان‌های انقلاب و مقابله با چالش‌های جدید. توجه به این سه رکن، نه‌تنها برای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، بلکه برای حرکت به سوی افق‌های بلندتر، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

انقلاب اسلامی ایران، با اتکا به ارزش‌های والای انسانی و الهی، در مسیری گام نهاده که هنر متعهد، رسانه انقلابی، و جهاد تبیین سه ابزار کلیدی در تحقق این اهداف بوده‌اند. این مفاهیم ریشه در سخنان و بیانات امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) دارند، که به طور مستمر بر نقش محوری این سه عنصر در پیشبرد اهداف انقلاب تأکید کرده‌اند.

امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) همواره هنر را ابزاری برای تعالی انسان و مقابله با استبداد و استکبار معرفی می‌کردند. ایشان در یکی از بیانات خود می‌فرمایند: *«هنر در مکتب اسلام، هنری است که استکبار و استضعاف را سرکوب کند و در خدمت انسان‌سازی باشد»* این نگاه به هنر متعهد، هنر را نه به‌عنوان یک سرگرمی یا وسیله‌ای برای تجارت، بلکه به‌عنوان ابزاری برای مبارزه با بی‌عدالتی و احیای ارزش‌های دینی و اخلاقی تعریف می‌کند. ایشان همچنین بر نقش هنرمندان در مقابله با تهاجم فرهنگی و استعماری تأکید داشتند و آنان را سربازانی در میدان نبرد فکری و معنوی می‌دانستند.

رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، با تأکید بر اهمیت هنر انقلابی، در مناسبت‌های مختلف بر نقش هنر متعهد در روشنگری و انتقال پیام‌های انقلاب اسلامی تأکید کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: *«هنر وقتی با ایمان، تعهد و*

انسانیت پیوند بخورد، می‌تواند جامعه‌ای را نجات دهد» این نگاه، مسئولیت هنرمندان انقلابی را دوچندان می‌کند و آنان را به عنوان سفیران ارزش‌های انقلاب اسلامی معرفی می‌نماید.

رسانه انقلابی نیز در اندیشه امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) جایگاه والایی دارد. ایشان رسانه را ابزاری برای بیداری ملت‌ها و مقابله با استکبار می‌دانستند و تأکید داشتند که رسانه باید حقیقت را بیان کرده و به ترویج عدالت بپردازد. امام می‌فرمایند: *«رسانه باید در خدمت مستضعفان باشد، نه مستکبران»* این نگرش، رسانه انقلابی را از رسانه‌هایی که صرفاً به دنبال منافع مادی یا سیاسی هستند، متمایز می‌کند.

رهبر معظم انقلاب نیز بر اهمیت رسانه به‌عنوان ابزار جهاد تأکید دارند. ایشان در بیانات خود، رسانه را خط مقدم مقابله با جنگ نرم دشمنان معرفی کرده‌اند و می‌فرمایند: *«رسانه یک میدان نبرد است. اگر رسانه‌ها درست عمل کنند، می‌توانند حقیقت را آشکار کنند و باطل را به حاشیه برانند»*. ایشان همواره بر ضرورت استفاده از فناوری‌های نوین و توسعه شبکه‌های ارتباطی انقلابی برای انتقال پیام انقلاب به جهان تأکید داشته‌اند.

جهاد تبیین نیز یکی از مفاهیمی است که در اندیشه هر دو بزرگوار جایگاه ویژه‌ای دارد. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) جهاد را تنها محدود به میدان نظامی نمی‌دانستند، بلکه بر جهاد فکری و فرهنگی نیز تأکید داشتند. ایشان می‌فرمایند : *»ما باید با بیان حقیقت، به مقابله با ظلم و جهل برویم و این وظیفه همه ماست».*

رهبر معظم انقلاب نیز جهاد تبیین را از مهم‌ترین وظایف در شرایط کنونی معرفی کرده‌اند. ایشان در یکی از بیانات خود فرمودند :*«امروز دشمنان در میدان جنگ روایت‌ها تلاش می‌کنند تا حقایق را وارونه نشان دهند. وظیفه ما، به‌ویژه جوانان، این است که با ابزارهای گوناگون به جهاد تبیین بپردازیم و مانع از تحریف حقیقت شویم»* ایشان همواره جهاد تبیین را به‌عنوان ضرورتی برای حفظ هویت انقلاب اسلامی و مقابله با شبهات و شایعات معرفی می‌کنند.

در مجموع، سخنان امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) به‌طور آشکاری نشان‌دهنده جایگاه کلیدی هنر متعهد، رسانه انقلابی، و جهاد تبیین در گفتمان انقلاب اسلامی است. این مفاهیم، ابزارهایی مؤثر برای مقابله با تهدیدات فرهنگی و فکری و همچنین تقویت پایه‌های معرفتی و اخلاقی جامعه انقلابی هستند. توجه به این بیانات، نقشه راهی برای تمامی نهادها و افراد دغدغه‌مند در مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد.

روز هفتم؛ ۱۸ بهمن
انقلاب اسلامی؛ جهاد و شهادت، مقاومت

انقلاب اسلامی ایران، در ذات و ماهیت خود، با مفاهیمی چون جهاد، شهادت و مقاومت پیوندی عمیق و جدایی‌ناپذیر دارد. این مفاهیم نه‌تنها از آموزه‌های اسلامی ریشه گرفته‌اند، بلکه در طول تاریخ انقلاب و پس از آن، در عرصه‌های مختلف مبارزه، از جنگ تحمیلی گرفته تا مقابله با تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، به‌عنوان ابزارهایی برای حفظ استقلال و عزت کشور به کار گرفته شده‌اند.

جهاد، در اندیشه اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی، تنها به معنای نبرد فیزیکی نیست، بلکه جهاد در ابعاد فکری، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز تعریف می‌شود. جهاد، یک تلاش مستمر برای مقابله با ظلم، فساد و انحطاط است. در این زمینه، انقلاب اسلامی با تأکید بر جهاد در تمام عرصه‌ها، راه را برای احیای عزت ملت ایران و دیگر ملت‌های مسلمان هموار کرد. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) جهاد را تکلیفی همگانی و وظیفه‌ای الهی می‌دانستند و همواره تأکید داشتند که جهاد، نه فقط یک وظیفه، بلکه یک عبادت است که انسان را به سوی کمال می‌برد. رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، نیز در سخنان خود همواره بر ضرورت جهاد در عرصه‌های گوناگون تأکید کرده‌اند، از جهاد علمی و فرهنگی گرفته تا جهاد اقتصادی.

شهادت، به‌عنوان عالی‌ترین مرتبه جهاد، در گفتمان انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. فرهنگ شهادت، که برگرفته از آموزه‌های عاشورایی است، محور اصلی مقاومت در برابر ظلم و استکبار بوده است. شهید، در نگاه انقلاب اسلامی، نماد ایثار و فداکاری برای حفظ ارزش‌های انسانی و الهی است. شهادت، نه پایان زندگی، بلکه آغاز جاودانگی است، چراکه شهید در مسیر حقیقت، با خون خود درخت آزادی و عدالت را آبیاری می‌کند. این فرهنگ در دوران دفاع مقدس به اوج خود رسید و صدها هزار شهید، با جان‌فشانی خود، انقلاب را از تهدیدها و خطرات مصون نگه داشتند.

مقاومت، به‌عنوان یکی دیگر از ارکان انقلاب اسلامی، ابزاری حیاتی برای مقابله با تهدیدها و فشارهای داخلی و خارجی بوده است. مقاومت، در معنای عمیق خود، نه‌تنها به معنای پایداری در برابر دشمنان، بلکه به معنای حفظ ارزش‌ها و اصول در برابر انحرافات و چالش‌ها است. انقلاب اسلامی با تکیه بر مقاومت، توانست در برابر فشارهای استکباری جهان غرب و شرق، استقلال خود را حفظ کند و الگویی برای ملت‌های دیگر فراهم آورد. این مقاومت

در سخنان رهبر معظم انقلاب نیز جایگاه ویژه‌ای دارد؛ ایشان همواره مقاومت را راهبرد اصلی جمهوری اسلامی در برابر زیاده‌خواهی‌های دشمنان معرفی کرده‌اند و ملت ایران را به پایداری در این مسیر فراخوانده‌اند.

پیوند این سه مفهوم، یعنی جهاد، شهادت و مقاومت، روح انقلاب اسلامی را شکل داده است. این مفاهیم نه‌تنها در دوران انقلاب و دفاع مقدس، بلکه در تمامی عرصه‌های حیات جمهوری اسلامی به‌عنوان شاخص‌هایی برای هدایت حرکت ملت ایران عمل کرده‌اند. جهاد در تمامی ابعاد آن، فرهنگ شهادت که نماد ایثار است، و مقاومت که ضامن استقلال و هویت کشور است، همچنان محورهایی هستند که ملت ایران با تکیه بر آنها، می‌تواند در برابر چالش‌ها و تهدیدات جهانی بایستد و ارزش‌های خود را حفظ کند.

انقلاب اسلامی ایران نه‌تنها در عرصه داخلی، بلکه در سطح بین‌المللی نیز الهام‌بخش حرکت‌های آزادی‌خواهانه و مقاومت در برابر ظلم و استکبار بوده است. یکی از بارزترین نمودهای این تأثیر، شکل‌گیری جبهه مقاومت اسلامی در منطقه و فراتر از آن است. جبهه مقاومت، که از آموزه‌های انقلاب اسلامی و فرهنگ جهاد، شهادت و مقاومت تغذیه می‌کند، امروز به‌عنوان یک نیروی اثرگذار در مقابله با سیاست‌های استعماری و سلطه‌طلبانه قدرت‌های جهانی شناخته می‌شود.

جبهه مقاومت اسلامی، مفهومی است که از نگاه انقلاب اسلامی، مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و به معنای مقابله با هرگونه ظلم، استبداد و استعمار در سراسر جهان اسلام است. این جبهه، که شامل کشورها، جنبش‌ها و ملت‌های آزادی‌خواه در منطقه و جهان است، بر پایه آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) و الگوبرداری از مبارزات ملت ایران در برابر رژیم طاغوت و استکبار جهانی شکل گرفته است. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) با تأکید بر وحدت امت اسلامی و ضرورت بیداری ملت‌ها، بنیان‌گذار این گفتمان بودند. ایشان همواره ملت‌های مسلمان را به ایستادگی در برابر استکبار و حمایت از مظلومان، به‌ویژه ملت فلسطین، فرا می‌خواندند.

رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، نیز با ارائه راهبردهای عملی و نظری برای گسترش جبهه مقاومت، این حرکت را تقویت کرده‌اند. ایشان مقاومت اسلامی را نه‌فقط راهبردی برای حفظ هویت ملت‌های مسلمان، بلکه ضرورتی برای مقابله با تهاجمات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قدرت‌های سلطه‌طلب می‌دانند. در این نگاه، مقاومت اسلامی به معنای مقابله با اشغالگری صهیونیستی در فلسطین، مبارزه با تروریسم دولتی و مقابله با تلاش‌های تجزیه‌طلبانه و تفرقه‌افکنانه در جهان اسلام است.

یکی از محورهای اصلی جبهه مقاومت، حمایت از مردم فلسطین و مبارزه با رژیم اشغالگر قدس است. از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران حمایت خود را از آرمان فلسطین به‌عنوان یک وظیفه دینی، انسانی و انقلابی اعلام کرد و این موضع تا امروز یکی از ارکان سیاست خارجی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی باقی مانده است. جبهه مقاومت، با تکیه بر روحیه جهادی و فرهنگ شهادت‌طلبی، توانسته است در برابر توطئه‌های صهیونیستی و حامیان جهانی آن‌ها ایستادگی کند و امید به آزادی قدس شریف را زنده نگه دارد.

علاوه بر فلسطین، محورهای دیگر جبهه مقاومت اسلامی شامل حمایت از ملت‌های سوریه، لبنان، عراق، یمن و دیگر کشورهایی است که در برابر تهاجمات مستقیم یا نیابتی قدرت‌های استکباری قرار گرفته‌اند. گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی عراق، انصارالله یمن و دیگر نیروهای مردمی، با الگوگیری از تجربه انقلاب اسلامی ایران، به ستون‌های اصلی مقاومت در برابر تجاوزگری تبدیل شده‌اند. این گروه‌ها نه‌تنها در عرصه نظامی، بلکه در بازسازی هویت فرهنگی و تقویت روحیه اجتماعی ملت‌های خود نیز نقش‌آفرین بوده‌اند.

در مجموع، جبهه مقاومت اسلامی نماد پویایی و تداوم گفتمان جهاد، شهادت و مقاومت انقلاب اسلامی است. این جبهه با تقویت همبستگی میان ملت‌های مسلمان، احیای روحیه عزت و استقلال، و مقابله با سیاست‌های استکباری، نشان داده است که مقاومت در برابر قدرت‌های سلطه‌گر نه‌تنها ممکن، بلکه راهبردی مؤثر و کارآمد برای تحقق عدالت و رهایی ملت‌ها است. امروز، جبهه مقاومت اسلامی به یک واقعیت انکارناپذیر تبدیل شده که معادلات قدرت در منطقه و جهان را تغییر داده و همچنان به‌عنوان یک نیروی الهام‌بخش برای مبارزات جهانی علیه ظلم و استبداد عمل می‌کند.

روز هشتم؛ ۱۹ بهمن
انقلاب اسلامی؛ امنیت پایدار ، اقتدار بسیج و نیروهای مسلح

انقلاب اسلامی ایران، با ایجاد تحول بنیادین در نظام سیاسی و اجتماعی کشور، توانست پایه‌های امنیت پایدار را بر اساس مشارکت مردمی و ارزش‌های اسلامی استوار سازد. امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی، مفهومی فراتر از امنیت نظامی و انتظامی است و شامل امنیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شود. این نگاه جامع و کل‌نگر، امنیت را نه صرفاً به‌عنوان یک ضرورت دولتی بلکه به‌عنوان یک مطالبه عمومی و بخشی از عدالت اجتماعی تعریف می‌کند. امنیت پایدار در انقلاب اسلامی، ریشه در همراهی مردم با نظام و تکیه بر ارزش‌هایی چون استقلال، عزت و حاکمیت ملی دارد. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) با تکیه بر همین اصول، مردم را به صحنه آوردند و نقش آنان را به‌عنوان اصلی‌ترین ضامن امنیت، برجسته کردند. ایشان همواره تأکید داشتند که امنیت، محصول همبستگی ملت و پایبندی به اسلام است و وابستگی به قدرت‌های خارجی نه‌تنها تأمین‌کننده امنیت نیست، بلکه خود عاملی برای ایجاد بی‌ثباتی و وابستگی خواهد بود.

اقتدار نیروهای مسلح، یکی از ارکان اصلی امنیت پایدار در نظام جمهوری اسلامی ایران است. نیروهای مسلح ایران، شامل ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی، بر پایه ایمان، تعهد و پیروی از ولایت‌فقیه سازمان‌دهی شده‌اند. این نیروها برخلاف نیروهای نظامی بسیاری از کشورهای جهان، که صرفاً ابزار قدرت حکومتی‌اند، خود را پاسدار ملت و ارزش‌های اسلامی می‌دانند. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) با نگاه هوشمندانه خود، سپاه پاسداران را برای حفاظت از انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن بنیان نهادند و ارتش را نیز با پالایش از عناصر وابسته به رژیم پهلوی به نیرویی مردمی و انقلابی تبدیل کردند.

بسیج مستضعفین، دیگر ستون اقتدار و امنیت در جمهوری اسلامی ایران است. بسیج، که به فرمان امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) شکل گرفت، نماد مشارکت عمومی در تأمین امنیت و حفظ استقلال کشور است. این نهاد بی‌نظیر، فراتر از یک سازمان نظامی، به‌عنوان یک حرکت مردمی و انقلابی، همواره در بحران‌ها و چالش‌های مختلف کشور نقش‌آفرینی کرده است. بسیج در دفاع مقدس، سازندگی کشور، مقابله با بلایای طبیعی، مبارزه با تحریم‌ها و حتی در عرصه‌های علمی و فرهنگی حضور فعال داشته و به نماد اقتدار نرم انقلاب اسلامی تبدیل شده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، بسیج را «گنجینه‌ای بی‌پایان» توصیف کرده‌اند که نقش آن فراتر از مرزهای ایران است. ایشان تأکید دارند که بسیج نه‌فقط برای حفظ امنیت داخلی، بلکه برای گسترش گفتمان

مقاومت اسلامی و مقابله با سلطه‌جویی‌های جهانی ضروری است. بسیج، به‌عنوان یک الگوی مردم‌محور، توانسته است الهام‌بخش حرکت‌های مشابه در جهان اسلام و حتی فراتر از آن باشد.

امنیت پایدار در انقلاب اسلامی، نه بر پایه ابزارهای سخت‌افزاری بلکه بر اساس سرمایه اجتماعی و اعتقادات دینی بنا شده است. اعتماد میان مردم و نظام، مشارکت عمومی در حفظ ارزش‌ها و استفاده از ظرفیت‌های داخلی برای مقابله با تهدیدات خارجی، از ویژگی‌های منحصر به فرد امنیت در نظام جمهوری اسلامی است. نیروهای مسلح و بسیج، با تکیه بر همین مبانی، توانسته‌اند تهدیدات پیچیده و چندلایه دشمنان را خنثی کنند و اقتدار ایران اسلامی را در منطقه و جهان به نمایش بگذارند.

در عرصه بین‌المللی نیز امنیت پایدار و اقتدار نیروهای مسلح ایران، از عوامل اصلی بازدارندگی در برابر تهدیدات دشمنان بوده است. حضور مؤثر ایران در عرصه مبارزه با تروریسم، تقویت جبهه مقاومت اسلامی و دفاع از ملت‌های مظلوم منطقه، نشان‌دهنده قدرت نظامی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی است. این قدرت، نه‌فقط نتیجه تجهیزات نظامی، بلکه حاصل ایمان، اراده و روحیه جهادی نیروهای مسلح است که با پیروی از رهبری و حمایت مردمی به دست آمده است.

امنیت پایدار در نظام جمهوری اسلامی ایران، مفهومی پویا و زنده است که با چالش‌ها و تهدیدات جدید، تکامل یافته و تقویت می‌شود. این امنیت، ریشه در ایمان مردم به آرمان‌های انقلاب و حضور فعال آنان در صحنه‌های مختلف دارد. نیروهای مسلح و بسیج، به‌عنوان نگهبانان این امنیت، با درک عمیق از تهدیدات و فرصت‌ها، نقش تاریخی خود را در حفظ استقلال، عزت و اقتدار کشور ایفا می‌کنند. چنین امنیتی، که از دل مردم و برای مردم برخاسته است، نه‌تنها الگویی برای ایران بلکه برای همه ملت‌هایی است که در جستجوی استقلال و آزادی‌اند.

روز نهم؛ ۲۰ بهمن
انقلاب اسلامی؛ مردم سالاری دینی ، عدالت اجتماعی

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب ریشه‌دار دینی، به مفهومی نوین از مردم‌سالاری دست یافت که در آن نه‌فقط رای و اراده مردم در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌شود، بلکه تمامی این فرآیندها در چارچوب‌های اصول دینی و اسلامی صورت می‌گیرد. در این نگاه، «مردم‌سالاری» نه به‌عنوان مفهومی سکولار و لائیک بلکه به‌عنوان مشارکت فعال و سازمان‌یافته مردم در اداره امور جامعه و سیاست است، به‌طوری‌که همه امور تحت نظارت و هدایت دینی قرار دارد. این مردم‌سالاری دینی، در واقع، تلفیقی از اراده مردم و ولایت‌فقیه است که نقش رهبری را در قالب اصول اسلامی و شرعی با دقت و اعتقاد در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی گسترش می‌دهد.

مردم‌سالاری دینی در گفتمان انقلاب اسلامی به‌طور اساسی بر نقش محوری مردم در تعیین سرنوشت خود تأکید دارد. اما برخلاف دموکراسی‌های غربی که در آن مردم به‌طور مستقل از اصول دینی و ارزشی تصمیم‌گیری می‌کنند، در مردم‌سالاری دینی، این اراده مردم است که باید با توجه به آموزه‌های دینی و اصول شریعت در راستای تحقق عدالت اجتماعی، تقویت امنیت ملی، و عزت کشور به جریان بیفتد. در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک مدل سیاسی جدید، توانسته است مشارکت مردم را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در کنار هدایت رهبری دینی به نحوی هماهنگ و هم‌راستا پیاده‌سازی کند.

در این نظام، ولایت‌فقیه نقش اصلی را در هدایت جامعه ایفا می‌کند. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) با تأسیس نهاد ولایت‌فقیه، مفهوم جدیدی از رهبری را مطرح کردند که در آن رهبری نه‌تنها از قدرت دینی بلکه از مشروعیت مردمی نیز برخوردار است. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) همواره بر این نکته تأکید داشتند که مردم باید در تعیین رهبری و مسائل اساسی کشور مشارکت کنند و در کنار آن، رهبری باید بر مبنای اصول و اهداف اسلامی به هدایت جامعه بپردازد. این نکته که مردم‌سالاری دینی با وجود مشارکت گسترده مردم، تحت نظر و هدایت رهبری است، اساساً وجه تمایز آن با سایر مدل‌های مردم‌سالاری در جهان است.

در کنار این، عدالت اجتماعی در انقلاب اسلامی نیز مفهومی اساسی است که در راستای مردم‌سالاری دینی پیاده‌سازی می‌شود. عدالت اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی، یک پروژه چندبعدی است که نه‌تنها بر توزیع عادلانه منابع و ثروت تأکید دارد، بلکه به عدالت در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی نیز پرداخته است. این عدالت، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، در نظر دارد تا به‌گونه‌ای عمل کند که هیچ فردی به‌دلیل نژاد، جنسیت، یا جایگاه اجتماعی خود از حقوق انسانی‌اش محروم نباشد. همچنین، در نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب

اسلامی، برای تحقق عدالت اجتماعی، تلاش‌های جدی در جهت کاهش فقر، افزایش دسترسی به خدمات عمومی و اجتماعی، و بهبود شرایط زندگی اقشار آسیب‌پذیر جامعه صورت گرفته است.

در این راستا، امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) همیشه بر این نکته تأکید داشتند که انقلاب اسلامی باید برای تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی خود به‌گونه‌ای عمل کند که فاصله طبقاتی را کاهش دهد و عدالت اجتماعی را در ابعاد مختلف، از جمله در دسترسی به آموزش، بهداشت، مسکن، و رفاه اجتماعی، به‌طور ملموس برای مردم فراهم آورد. این نگرش، از طریق اصلاحات اقتصادی، تأسیس نهادهای حمایتی، و ایجاد سیاست‌های مؤثر در زمینه رفاه اجتماعی و حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران پیگیری شد.

در گفتمان رهبر معظم انقلاب، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مردم‌سالاری دینی و عدالت اجتماعی همواره از ارکان اصلی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی بوده است. ایشان نیز تأکید دارند که مردم‌سالاری باید بر اساس اصول و دستورات دینی شکل بگیرد و در این زمینه، نهادهای دولتی و مردمی باید در تعامل با هم به اهداف مشترک دست یابند. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بر لزوم نظارت دقیق بر اعمال دولت‌ها و حفظ حقوق عمومی مردم تأکید دارند و همواره از تحقق عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار و رشد اجتماعی یاد کرده‌اند.

در این میان، تحقق عدالت اجتماعی به‌ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی، در عرصه‌های مختلف مانند گسترش آموزش و پرورش برای همه اقشار جامعه، فراهم‌آوری فرصت‌های شغلی و اقتصادی برای قشر محروم و گسترش نظام‌های تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی، در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت. این اقدامات، در کنار برنامه‌های اصلاح اقتصادی و سیاسی، به‌طور مداوم مورد تأکید رهبری قرار گرفته است.

چنین نگاه جامعی به مردم‌سالاری دینی و عدالت اجتماعی، در واقع، الگوی جدیدی را در عرصه جهانی ایجاد کرده است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان هم اراده مردم را در تعیین سرنوشت خود وارد فرآیند حکومت‌داری کرد و هم ارزش‌های دینی را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی وارد نمود. این تلفیق اصول دینی و مردم‌سالاری، به‌ویژه در مسیر عدالت اجتماعی، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی ایران شناخته می‌شود.

در پایان، می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران به‌ویژه در عرصه مردم‌سالاری دینی و عدالت اجتماعی، توانسته است الگویی جدید برای حکمرانی ایجاد کند که در آن نه‌تنها مشارکت مردم بلکه هدایت رهبری بر اساس اصول دینی و شرعی، به تحقق عدالت اجتماعی و رفاه عمومی می‌انجامد. این سیستم حکومتی نشان‌دهنده یک پیوند استوار میان مردم و رهبری است که همواره در راستای تحقق اهداف عالی انقلاب اسلامی حرکت کرده است.

روز دهم؛ ۲۱ بهمن
انقلاب اسلامی؛ وحدت اقوام و ادیان الهی، امید به آینده

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک حرکت بزرگ دینی و اجتماعی، نه‌تنها بر اساس اصول اسلامی پی‌ریزی شده، بلکه در مسیر تحقق اهداف خود، همواره به‌دنبال ایجاد وحدت میان اقوام مختلف و پیروان ادیان الهی بوده است. این وحدت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی انقلاب اسلامی، می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر جوامع باشد که در آن، باوجود تنوع فرهنگی، قومی و مذهبی، مردم با همدلی و هم‌افزایی در راه توسعه و پیشرفت کشور خود گام بردارند.
یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی این است که همواره به‌دنبال تحقق آرمان‌هایی است که از یک‌سو منطبق با اصول دینی و اسلامی باشد و از سوی دیگر، در آن هر فرد و گروه اجتماعی با هر قومیت، زبان و مذهب، جایگاه و حقوق برابر داشته باشد. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) همیشه بر وحدت مسلمانان تأکید داشتند و در خطبه‌ها و سخنرانی‌های خود، همواره بر ضرورت انسجام و همبستگی اقوام و مذاهب مختلف در ایران تأکید می‌کردند. ایشان معتقد بودند که تنها از طریق وحدت می‌توان به اهداف بلند انقلاب اسلامی دست یافت و کشور را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی مقاوم ساخت.
وحدت اقوام در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی مطرح است. ایران کشوری با اقوام مختلف و متنوع است که از دیرباز دارای ویژگی‌های قومی، فرهنگی و زبانی خاص خود بوده‌اند. اما انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، این تنوع قومی را به‌عنوان فرصتی برای ایجاد همبستگی و هم‌گرایی بین اقوام و ملت‌ها قرار داد. این هم‌گرایی در کنار تأسیس جمهوری اسلامی، ایران را به‌عنوان یک الگوی موفق از وحدت اقوام در دنیای امروز معرفی کرده است. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) همواره به‌عنوان یک مرجع بزرگ دینی بر این نکته تأکید داشتند که وحدت و همبستگی مسلمانان و اقوام مختلف کشور، به‌عنوان یک اصل مهم برای تحقق عدالت و پیشرفت اجتماعی، ضروری است.
این وحدت تنها به اقوام ایرانی محدود نمی‌شود، بلکه در گفتمان انقلاب اسلامی، همیشه به پیروان دیگر ادیان الهی نیز احترام گذاشته شده است. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران همواره بر لزوم حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی تأکید داشته است. در جمهوری اسلامی، ادیان الهی از جمله مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان حق دارند تا در کنار مسلمانان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی کشور مشارکت داشته باشند و در صلح و دوستی با سایر گروه‌ها زندگی کنند. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) همواره بر این نکته تأکید داشتند که باید تمام اقلیت‌ها در ایران از حقوق شهروندی برخوردار باشند و هیچ‌گونه تبعیضی نسبت به آنها قائل نشود. این نگرش موجب شد تا ایران به‌عنوان نمونه‌ای از همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان ادیان مختلف شناخته شود.

در گفتمان مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز تأکید زیادی بر وحدت اقوام و ادیان داشته‌اند. ایشان همواره بر این نکته تأکید دارند که ایران نباید تنها به‌عنوان یک کشور اسلامی دیده شود، بلکه باید به‌عنوان کشوری که در آن تمامی اقوام و ادیان الهی در کنار هم زندگی می‌کنند، شناخته شود. ایشان همواره از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و همکاری بین اقوام مختلف ایرانی و پیروان ادیان مختلف حمایت کرده‌اند و در سخنرانی‌های خود بارها بر ضرورت وحدت و انسجام در کشور تأکید داشته‌اند. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بر این باورند که وحدت بین اقوام و مذاهب ایرانی از ارکان قدرت و اقتدار ملی است و می‌تواند در برابر تهدیدات داخلی و خارجی کشور را مقاوم سازد.

امید به آینده، یکی دیگر از ارکان اصلی روز دهم است. در حقیقت، امید به آینده در گفتمان انقلاب اسلامی، نه‌تنها به‌عنوان یک نیاز روان‌شناختی برای مردم مطرح است، بلکه به‌عنوان یک اصل راهبردی در راستای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و تحقق آرمان‌های بلند آن به‌شمار می‌آید. انقلاب اسلامی با شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به میدان آمده بود و در آن زمان، مردم ایران امید زیادی به آینده داشتند. این امید، همچنان ادامه دارد و رهبر معظم انقلاب نیز همواره بر لزوم حفظ این امید تأکید دارند. امید به آینده در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نیروی محرکه‌ای برای تلاش‌های ملی و بین‌المللی برای توسعه کشور و رسیدن به استقلال بیشتر و عزت ملی تعبیر می‌شود.

در نهایت، وحدت اقوام و ادیان و امید به آینده نه‌تنها به‌عنوان دو اصل کلیدی در مسیر انقلاب اسلامی ایران، بلکه به‌عنوان منابع اصلی قدرت و همبستگی اجتماعی در کشور به‌حساب می‌آید. این اصول می‌تواند به‌عنوان راهبردی برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدات داخلی و خارجی، همچنان تأثیرگذار باشد. این نگاه به وحدت و امید به آینده، می‌تواند الگوی موفقی برای سایر کشورها نیز باشد که در آن، با وجود تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی و مذهبی، مردم با یکدیگر در جهت پیشرفت و سعادت ملی گام برمی‌دارند.

روز یازدهم؛ ۲۲ بهمن
انقلاب اسلامی؛ جوان، شاداب و بالنده

استقلال، آزادی جمهوری اسلامی

روز پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۲ بهمن، به‌عنوان نقطه اوج انقلاب اسلامی ایران، نه تنها نقطه‌ای از تاریخ است که رژیم فاسد شاهنشاهی سرنگون شد، بلکه همچنین به‌عنوان روز تولد یک تمدن جدید در جهان اسلام و به‌ویژه در ایران شناخته می‌شود. این روز به‌عنوان یک روز تاریخی و مبارک برای ملت ایران، نمادی از پیروزی مستضعفین بر مستکبرین و آغاز دورانی جدید در کشور است که در آن استقلال و آزادی برای مردم ایران به‌عنوان اهداف اصلی انقلاب در اولویت قرار گرفت.

اولین بخش این روز بزرگ، در مفهوم «جوان، شاداب و بالنده» نهفته است. انقلاب اسلامی در ابتدا توسط نسل جوان و آگاه ایران پی‌ریزی شد و این نسل جوان بود که با شور و شوق انقلابی به میدان آمد. جوانان ایران در آن دوره از تاریخ، با آگاهی از مسائل جهانی و آرمان‌های خود، به‌شکل فعال در مبارزه با رژیم طاغوتی مشارکت کردند. در واقع، انقلاب اسلامی محصول همت و عزمی راسخ بود که در دل جوانان شکل گرفت و آن‌ها توانستند با روحیه‌ای شاداب و پرانرژی، به‌ویژه از دهه‌های ۴۰ و ۵۰ میلادی تا اوایل دهه ۶۰ هجری شمسی، حرکت‌های اعتراضی و انقلابی را شکل دهند و به‌طور بی‌وقفه در مسیر تحقق آرمان‌های اسلامی و انسانی انقلاب گام بردارند.

این جوانان شاداب و بالنده، نه تنها از لحاظ روحی و فکری، بلکه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز خواهان تحولاتی عمیق و اساسی بودند. آن‌ها به‌طور جمعی به‌دنبال دستیابی به یک جامعه عادلانه، اسلامی و انسانی بودند که در آن حقوق فردی و اجتماعی به‌طور برابر رعایت شود. برای جوانان انقلاب اسلامی، هیچ چیزی مهم‌تر از رهایی از استبداد و تحقق آرمان‌های عدالت‌خواهانه و آزادی‌خواهانه نبود. آن‌ها با سلاح ایمان و عزم راسخ خود، در نهایت توانستند از دل جامعه‌ای تحت فشار، در برابر ظلم و فساد، با دست خالی اما با اراده‌ای قوی، انقلاب را به پیروزی برسانند.

در این مرحله، بحث «جوان، شاداب و بالنده» در انقلاب اسلامی به‌طور دقیق به اهمیت نقش نسل جوان در ایجاد تحولی شگرف در تاریخ کشور اشاره دارد. جوانان انقلاب اسلامی، به‌عنوان نسل آینده‌ساز و شاداب، نه تنها در مبارزات سیاسی، بلکه در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و حتی در حماسه‌های دفاع مقدس نیز حضوری تأثیرگذار داشتند. آنها با روحیه‌ای که از ایمان اسلامی و آرمان‌های انسانی می‌گرفتند، به‌دنبال تحقق جامعه‌ای بودند که در آن ظلم، فساد، فقر و بی‌عدالتی جایی نداشت و همه افراد از فرصت‌های برابر بهره‌مند می‌شدند.

در مرحله دوم، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق آرمان‌های اولیه آن، شعارهای «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» در سرلوحه اهداف این انقلاب قرار گرفت. استقلال برای ایران در سال‌های قبل از انقلاب، مفهومی مبهم و دور از دسترس بود. ایران در آن دوران تحت سلطه قدرت‌های استعماری و رژیم وابسته به غرب، هیچ‌گونه استقلال اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی نداشت. انقلاب اسلامی توانست با تکیه بر اصول اسلامی و تفکر استقلال‌طلبی، کشور را از سلطه خارجی‌ها رها سازد و دوباره به‌عنوان یک کشور مستقل در جامعه جهانی معرفی کند. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و سایر رهبران انقلاب، همواره بر این نکته تأکید داشتند که ایران باید به‌طور کامل از وابستگی‌های خارجی رهایی یابد و خود در مسیر رشد و تعالی قدم بردارد.

آزادی یکی دیگر از اصول بنیادین انقلاب اسلامی بود. مردم ایران در طول سال‌ها زیر سلطه رژیم شاهنشاهی نه تنها از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی محروم بودند، بلکه در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و حقوق بشر نیز تحت فشارهای شدیدی قرار داشتند. انقلاب اسلامی با تأکید بر آزادی انسان‌ها و بازگرداندن حقوق از دست رفته مردم، فضای تازه‌ای از آزادی و شکوفایی را در جامعه ایران به‌وجود آورد. این آزادی به معنای گسترده‌تری از آزادی‌های فردی و اجتماعی بود که نه تنها به حق انتخاب حکومت و تعیین سرنوشت سیاسی مردم ایران اشاره داشت، بلکه به استقلال فردی و اجتماعی هر فرد در کشور اشاره می‌کرد.

جمهوری اسلامی نیز به‌عنوان فرم حکومتی جدید ایران، یک ترکیب منحصر به‌فرد از دموکراسی اسلامی و اصول فقهی بود. نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه اصول دینی و اسلامی استوار شد و در آن، مردم حق داشتند تا با انتخاب آزادانه نمایندگان خود در تعیین سرنوشت کشور مشارکت کنند. در این سیستم حکومتی، مردم نه تنها در عرصه‌های سیاسی، بلکه در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز نقشی اساسی دارند. در واقع، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک الگوی جدید در دنیای مدرن، نشان داد که می‌توان بر اساس اصول دینی و اسلامی، کشوری را اداره کرد که در آن مردم در تعیین سرنوشت خود مشارکت داشته باشند و در عین حال، ارزش‌های اسلامی و انسانی حفظ شود.

در نهایت، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحقق شعارهای «جوان، شاداب و بالنده» و «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، نشان‌دهنده شکوفایی یک جامعه است که با تکیه بر آرمان‌های اسلامی و انسانی خود، به‌دنبال تحقق عدالت، آزادی و رفاه برای تمامی مردم خود است. این انقلاب به‌عنوان یک نماد از حرکت‌های آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه در جهان، همواره الهام‌بخش کشورهای دیگر بوده و خواهد بود.

در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سه شعار اساسی «استقلال»، «آزادی»، و «جمهوری اسلامی» به‌عنوان ارکان اصلی این انقلاب در دستور کار قرار گرفتند. این مفاهیم نه تنها در سطح شعارهای عمومی بلکه در عمق تفکر دینی و سیاسی انقلاب اسلامی، به‌عنوان بنیادهایی برای ساختار جدید اجتماعی و سیاسی کشور مورد تأکید قرار گرفتند. در این

بخش، توضیح مفصل‌تری پیرامون هر یک از این اصول ارائه می‌شود، به‌ویژه در رابطه با مفهوم «جمهوری اسلامی» که مفهوم ویژه‌ای است که انقلاب اسلامی به جهان معرفی کرد.

استقلال :استقلال، مفهومی است که به رهایی کشور از هرگونه سلطه خارجی اشاره دارد. پیش از انقلاب اسلامی، ایران تحت سلطه قدرت‌های استعماری و سلطه‌گر قرار داشت. نه‌تنها ایران از نظر سیاسی، بلکه از جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز به‌شدت وابسته به کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا بود. رژیم شاهنشاهی به‌عنوان دنباله‌روی سیاست‌های غربی‌ها، در بسیاری از زمینه‌ها از جمله سیاست خارجی، تصمیم‌گیری‌های داخلی، اقتصاد و فرهنگ، منافع خارجی‌ها را بر منافع ملت ایران ترجیح می‌داد.

انقلاب اسلامی به‌ویژه با رهبری امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) توانست این وابستگی‌ها را قطع کرده و کشور را از سلطه قدرت‌های جهانی آزاد کند. امام خمینی با طرح شعار "نه شرقی نه غربی"، بر لزوم حفظ استقلال ایران تأکید کردند. به‌عبارت دیگر، جمهوری اسلامی ایران باید از هرگونه وابستگی به قدرت‌های خارجی رهایی یابد و تنها بر اساس مصالح و منافع داخلی خود عمل کند. این استقلال سیاسی به معنای آزاد شدن ایران از دست کشورهای استعمارگر و بی‌نیاز شدن از مداخلات آنان در امور داخلی ایران بود.

استقلال اقتصادی نیز بخش دیگری از این مفهوم است. ایران پیش از انقلاب در بسیاری از زمینه‌های اقتصادی وابسته به کشورهای غربی بود و اقتصاد کشور به‌طور عمده تحت سلطه سرمایه‌گذاری‌ها و صنایع خارجی اداره می‌شد. پس از انقلاب، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد که با تکیه بر منابع داخلی و تقویت ظرفیت‌های ملی، استقلال اقتصادی خود را به دست آورد. این موضوع به‌ویژه در دوران تحریم‌های بین‌المللی خود را به‌شکلی واضح نشان داد.

آزادی :آزادی، یکی دیگر از اصول بنیادین انقلاب اسلامی بود که در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» نقش برجسته‌ای داشت. پیش از انقلاب اسلامی، مردم ایران در زیر سلطه رژیم شاهنشاهی، که کاملاً وابسته به قدرت‌های غربی بود، هیچ‌گونه آزادی سیاسی و اجتماعی نداشتند. بسیاری از حقوق اولیه شهروندان ایرانی تحت سرکوب و فشار قرار داشت، از جمله آزادی بیان، آزادی تجمع، و آزادی انتخاب.

انقلاب اسلامی با تأکید بر آزادی‌های عمومی، به مردم ایران این فرصت را داد تا در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود مشارکت داشته باشند. یکی از اهداف اساسی انقلاب اسلامی ایجاد یک جامعه‌ای بود که در آن همه افراد از حقوق اجتماعی و سیاسی برابر برخوردار باشند. پس از پیروزی انقلاب، مردم ایران به‌طور آزادانه در انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی شرکت کردند، چیزی که پیش از آن کاملاً غیرممکن بود. در جمهوری اسلامی ایران، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در چارچوب مبانی دینی و اسلامی به رسمیت شناخته شد. برای مثال، آزادی بیان به‌گونه‌ای تنظیم شد که افراد می‌توانند نظرات خود را بیان کنند، اما این آزادی باید در چارچوب احترام به ارزش‌ها و اصول اسلامی باشد.

اما آزادی در جمهوری اسلامی ایران نه تنها به آزادی سیاسی، بلکه به معنای آزادی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز تسری پیدا کرد. پس از انقلاب، نهادهای مختلف مانند دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، و مؤسسات فرهنگی تحت نظارت مردم و در راستای ارتقای آگاهی عمومی و شکوفایی آزادی‌ها به‌طور گسترده‌تر فعال شدند.

جمهوری اسلامی :اما شاید مهم‌ترین بخش این شعار، مفهوم «جمهوری اسلامی» باشد که در هیچ کجای جهان پیش از انقلاب اسلامی ایران تجربه نشده بود. جمهوری اسلامی، حکومتی است که در آن، اصول دینی و مذهبی به‌طور کامل در ساختار سیاسی و حکومتی کشور پیاده‌سازی می‌شود، اما این‌گونه نیست که تمام جنبه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی به‌طور مستقیم تحت دستورات مذهبی باشد. در جمهوری اسلامی ایران، مردم در تعیین سرنوشت خود و در انتخاب سران حکومت نقش دارند، اما تمامی این تصمیمات در چهارچوب اصول دینی و ارزشی اسلامی صورت می‌گیرد.

امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) با بیان این که «حکومت اسلامی یک حکومت مردمی است»، نشان داد که در جمهوری اسلامی ایران، مردم باید در امور سیاسی و اجتماعی نقش اصلی را ایفا کنند. نظام جمهوری اسلامی ایران ترکیبی از دو اصل «ولایت فقیه» و «دموکراسی دینی» است. از یک‌سو، ولایت فقیه به‌عنوان رهبری دینی در رأس نظام قرار دارد که بر اساس اصول فقهی اسلامی و با تأسیس نهادی به‌نام «ولایت فقیه»، نظارت بر تطابق تصمیمات حکومتی با ارزش‌های اسلامی را عهده‌دار است. از سوی دیگر، در جمهوری اسلامی ایران، مردم در انتخابات آزادانه شرکت می‌کنند و سرنوشت خود را از طریق رأی دادن به نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور تعیین می‌کنند.

این مفهوم «جمهوری اسلامی» در واقع یک الگوی جدید از حکومت‌داری را به‌وجود آورد که در آن، هیچ‌کدام از مفاهیم سنتی حکومت‌های دموکراتیک و همچنین حکومت‌های دینی به‌طور مطلق حاکم نبوده و بلکه ترکیب آن‌ها به‌طور نوآورانه‌ای به یک حکومت مردمی با مبانی دینی شکل می‌دهد. این مدل حکومتی به‌ویژه با توجه به پس‌زمینه تاریخی انقلاب، توانست یک انقلاب سیاسی و اجتماعی عظیم را به‌وجود آورد که در آن مردم نه تنها از حقوق خود برخوردار هستند بلکه در تدوین سیاست‌های کلان کشور هم مشارکت دارند.

در این راستا، امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) همواره بر این نکته تأکید داشتند که حکومت اسلامی تنها در صورتی می‌تواند پایدار بماند که در آن، «عدالت»، «آزادی»، و «استقلال» به‌طور هم‌زمان وجود داشته باشد. از نظر ایشان، این جمهوری اسلامی به‌دنبال تحقق عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت زندگی مردم، به‌ویژه مستضعفین و اقشار آسیب‌پذیر جامعه، بود.

در نتیجه، انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر شعارهای استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی توانست الگویی جدید از حکمرانی اسلامی و مردمی را به جهانیان معرفی کند که در آن، هم‌زمان با حفظ اصول دینی، آزادی‌های فردی و مشارکت عمومی در فرآیندهای حکومتی تأمین می‌شود.